

اروپای غربی: بازار گرم فروش اسلحه به رژیم خمینی

* فرانسه از طریق بلژیک و باژیک از طریق فرانسه به ایران اسلحه می فرستند!
* اعتراض یک اتحادیه کارگری آلمان فدرال به حمل سلاح به ایران

چاپ کردیم. سه شنبه گذشته گمرک سوئد اعلام کرد شرکت بوفورس بطور غیرقانونی مواد منفجره به ارزش دهه میلیون دلار به ایران صادر کرده است. روزنامه بلژیکی "لوسور" می نویسد فرانسه در طول سال ۱۹۸۶ از طریق بندر بلژیکی زیبروگ مقادیر زیادی سلاح به ایران تحویل داده است. دیگر تولیدکنندگان سلاح، از جمله بلژیک از طریق فرودگاه شهر لیل فرانسه به طور منظم به تهران اسلحه فرستاده اند. همه این موارد ارسال اسلحه به ایران، کاملا قانونی و مطابق مقررات تجاری و کمرکی کشورهای اروپای غربی بوده است!

به نوشته لوسور، شرکت فرانسوی لوشر که به گزارش منابع باتکی در طول سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ بیش از یکصد میلیون دلار سلاح به ایران فروخته است بندر زیبروگ را به علت توقیف محمولات خود در بندر شبروگ انتخاب کرده است. این روزنامه می افزاید مدور اسلحه از طریق بلژیک برای شرکت لوشر این فایده را داشته که تنها مستلزم تنظیم یک سند ترانزیت بوده است. این امکان برای صدور مهمات تویهای ۱۰۵ و ۲۰۲ میلیمتری به ایران مورد استفاده قرار گرفت. کشتیهای متعددی که تحت پرچم کشورهای مختلف حرکت می کردند، مهمات را در بندر زیبروگ بارگیری کرده و به جای حمل آن به مقاصد ذکر شده در اوراق ترخیص، محموله را به ایران بردند.

هفته گذشته همچنین ماجرای بارگیری مقادیر زیادی کلوله خمپاره توسط کشتی ۴ هزار تنی "کرتل"

بقیه در صفحه ۱.

نوسازی و مبارزه اجتنابناهی در جامعه مقاله ای از هفته نامه اخبار مسگر در صفحات ۱۲ و ۱۳

کشورهای اروپای غربی صحنه انجام معاملات پررونق انحصارات تسلیحاتی و دلان جنگ افزارها رژیم خمینی اند. تقریبا هر هفته اخباری پیرامون معاملات تسلیحاتی غرب با جمهوری اسلامی به رسانه های گروهی درز می کند. هفته پیش گزارشی پیرامون معاملات شرکت سوئدی "بوفورس" با رژیم فقها و ماجرای قتل یازس و ویژه سوئدی در این رابطه

جنگ شهرها، جزء جدایی ناپذیری از جنگ ارتجاعی

است، با شدت ویژه ای آغاز گشت. جمهوری اسلامی بصره را زیر آتش قرار داد، به سوی بغداد مویشک پرتاب کرد و اعلام نمود که همه شهرهای عراق به استثنای ۴ شهر مذهبی، مورد حمله قرار خواهند گرفت. عراق که پیش از شروع حمله کربلای ۵ شهرهای باختران و اسلام آباد را به وحشیانه ترین شکل مورد حمله قرار داده بود، یک روز پس از آغاز حمله کربلای ۵ شهرهای قم، اصفهان و دزفول را بمباران کرد. روزهای بعد شهرهای بیشتری بمباران شدند. خامنه ای جانی، رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه هفته گذشته تهران اعلام کرد که در این دوران جنگ شهرها ۶۵ شهر جمعا ۲۲۶ بار بمباران شده و ۲۸ بار مورد حمله موشکی قرار گرفته اند. بنابر این آمار در طی ۶ هفته گذشته هر روز ۶ حمله هوایی علیه شهرهای ایران صورت گرفته است. خامنه ای تعداد کشته شدگان ناشی از بمبارانهای هوایی در طی این مدت را ۲۰۲۵ نفر و تعداد مجروحین را ۱۱۵۰ نفر اعلام کرد. این آمار عمدا کوچک شده اند تا از وحشت سرتاسری کاسته شود. بنابر آمار قبلی ارائه شده از سوی خود رژیم تعداد تلفات برخی از بمبارانها - از جمله در میانه و بروجرد - به ۷۰ نفر می رسیده است. بقیه در صفحه ۲



دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۶۵ برابر ۲۳ فوریه ۱۹۸۷ بهاء ریال سال سوم - شماره ۱۴۶

تا روز پنج شنبه هفته گذشته (۲۰ بهمن) جنگ شهرها با شدت ادامه یافت. تبریز، همدان، ایلام، الیکودرز، بروجرد، پلدختر، دزفول، شیراز، تهران، قم، کوهپایه و اصفهان از جمله شهرهایی بودند که مورد حمله هوایی عراق قرار گرفتند. تهران در این مدت شاهد حملات هوایی متعدد بود. جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود، مدام شهرهای مرزی عراق را مورد حملات توپخانه ای قرار داد. شهرهای علی غربی، زرباطیه، بدره، خانقین، نفت خانه، دوشیخ، مندلی، چوارته، خرمال و شانه در که در کردستان عراق واقع هستند، در هفته گذشته هدفهای اصلی آتشیباری مداوم جمهوری اسلامی بوده اند. بصره نیز همچنان زیر آتش قرار داشته است.

عراق از ساعت ۱۲ ظهر پنج شنبه گذشته، حملات هوایی خود بر روی شهرهای ایران را برای مدت در هفته متوقف ساخت.

این دور جنگ شهرها

این دوران جنگ شهرها هفته به طول انجامید. پس از آغاز حمله کربلای ۵ در روز ۱۹ دی ماه، جنگ شهرها که در مفهوم عام آن هیچگاه متوقف نبوده

سرود صلح و آزادی در جشن های

شانزدهمین سالگشت تولد فدائیان خلق

شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان ما، بدانگونه که شایسته رزم دلیرانه فداییان خلق، در راه تحقق صلح، آزادی و سوسیالیسم است، در خارج از کشور نیز در شهرهای بسیاری جشن گرفته شد.

این جشن ها، علیرغم فشار و تهدید پلیس برخی کشورهای امپریالیستی که در بند و بست با جمهوری اسلامی طرفندهای متعددی را جهت تنگ تر کردن دایره فعالیت نیروهای انقلابی ایرانی در خارج را بکار گرفته اند، همانند سال های پیش میعادگاه میهن پرستانی بود که رهایی مردم ایران از چنگ امپریالیسم و ارتجاع آرمان شریف، والا و میهنی آنهاست.

نشریه "اکثریت" طی چند شماره، گزارش تعدادی از این جشن ها را بعنوان نمونه درج خواهد کرد. در صفحه ۸



صحنه ای از مراسم ۱۹ بهمن در شهر برلن غربی

اتحاد عمل، نیاز مبرم جنبش دمکراتیک زنان ایران

۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز جهانی زن، فرا می رسد. زنان و مردان آگاه، دمکرات و انقلابی جهان، مراسم این روز را با شعار صلح، برابری و پیشرفت تدارک می بینند. خاطره تابناک مبارزه خونین زنان کارگر آمریکا در هشتم مارس سال ۱۸۵۷، علیرغم گذشت ۱۳۰ سال، همچنان بگونه ای نیرومند الهام بخش زنان زحمتکش و ترقیخواه سراسر جهان برای فشرده تر ساختن صفوف رزمجویانه شان در نبرد علیه ستم و نابرابری است.

در استقبال از روز جهانی زن، همه زنان پیشرو و دمکرات میهنان را که با رژیم قرون وسطایی خمینی در نبردند، به اتحاد عمل در راه تحقق اهداف جنبش دمکراتیک زنان ایران فرا می خوانیم.

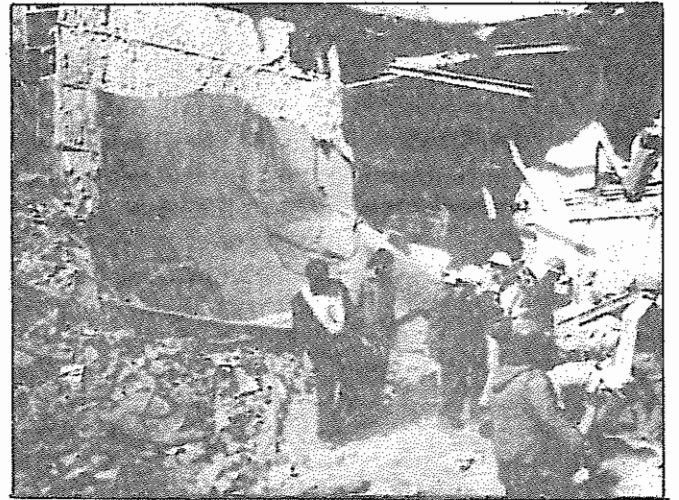
در صفحه ۲

جنگ شهرها، جزء جدایی ناپذیری از جنگ ارتجاعی

بقیه از صفحه اول

ارغام، چه کوچک شده و چه نزدیک به واقعیت، قانونیستند جنایتکاریهای ناشی از چفتیر شهرها را به تمامی بازتاب دهند. به خاک و خون غلتیدن قریب به ۱۴۰ کودک و نوجوان در بروجرد و میانه تنها گوشه‌ای از این جنایتکاریهاست. آواره شدن جمیع کثیری از مردم و کسبخته شدن رشته زندگی عادی میلیونها انسان نیز تنها جلوه‌ای از جنبه‌های مختلف برنامه آدم‌کشی خمینی و صدام حسین است.

اشکال قراردادی آدمکشی محدود بماند. این یک بصره را در محاصره می‌گیرد و کلوله باران می‌کند، آن یک باختران را در هم می‌کوبد. این یک به جانب بغداد موشک شلیک می‌کند، آن یک جنگنده‌هایش را راهی تهران می‌سازد. بدین سان زنجیره‌ای از جنایت آغاز می‌شود که آغازی، "شروزی" و قانونیستند دارد. آنقدر می‌کشند تا از نفس بیفتند. پایان ماجرا نیز قانونیستند است و تابع



یک خانه بیماران شده در تهران

جنگ شهرها در سال گذشته

هنوز بیش از ۹ ماه از توافق ۸ ژوئن ۱۹۸۴ میلی بر خودداری از حمله به مناطق مسکونی نگذشته بود که در ۱۲ اسفند ۱۳۶۲ دور تازه‌ای از جنگ شهرها آغاز گشت و تا ۱۷ فروردین ۱۳۶۴ به طول انجامید. طرفین در طی این مدت مرتکب جنایات جنایتکاری‌هایی شدند که در تمام طول مدت جنگ به لحاظ گستردگی بی‌سابقه بود. خانه‌ای در نماز جمعه ۱۷ اسفند ۶۲ اعلام کرد: "تاکنون هر ضربه‌ای که عراق وارد کرده، ایران نیز متقابلاً ضربه‌ای وارد کرده است." این دور از جنگ شهرها پس از ۴۵ روز وقفه با شدت بیشتری از سر گرفته شد. دور بعدی ۲۵ روز دیگر ادامه یافت.

قانونیستند ی جنایت

جنایتکاری جنگ شهرها دارای روندی قانونیستند است. هم امسال و هم در سال گذشته جنگ شهرها شاخص برآمد جنگ ارتجاعی بوده است. جنگ شهرها در زمینه این جنگ کثیف یک پدیده عارضی نیست. یک جنگ تام و تمام عیار نمی‌تواند در جبهه‌ها و چارچوب



یک قربانی جنگ شهرها در آغوش پدری دردمند.

تنها متوجه صدام حسین کند و از این طریق نیروی بیشتری را برای سوزاندن در آتش جنگ گرد آورد. بیهوده نیست که خامنه‌ای پلید در نماز جمعه هفته گذشته فریاد برداشت که: قطع جنگ شهرها یک تولفه است. تولفه برای این که ما از حالت آماده باش برای تداوم جنگ خارج شویم.

ما به مردم می‌گوییم: جنگ شهرها یک جنایتکاری است. این جنایتکاری ذاتی جنگ ارتجاعی است. این خمینی است که هواپیماهای عراقی را فرامی‌خواند تا بر سر شما موشک و بمب فرود آورند. تا زمانی که جنگ ادامه دارد، جنگ شهرها نیز هست. امروز خستگی درمی‌کنند تا فردا بر نفس‌تر خانه و کاشانه شما را ویران کنند.

ما به مردم می‌گوییم: خمینی و صدام حسین هر دو جانی و آدمکش هستند. اما امروز خمینی است که برای تداوم جنگ و کشتار حرص می‌زند. فریاد مرگ بر جنگ سر دهید! خمینی ویران کننده خانه و کاشانه شماست. خمینی قاتل جوانان شماست. کشتار کودکان و نوجوانان در میانه و بروجرد با صدام حسین همدست بوده است. فریاد مرگ بر خمینی سر دهید!



اینان دختران دانش‌آموز در تهرانند. برای خود پناهگاه درست می‌کنند. آنها پناهگاه درست می‌کنند تا به سر نوشت همکلاسی‌هایشان در میانه دچار نشوند. جمهوری اسلامی نیز مدام می‌گوید: پناهگاه درست کنید! پناهگاه درست کنید تا بعد از وقفه‌ای کوتاه مجدداً هواپیماهای عراقی را فراخوانیم. تابرسر شما بسبب موشک فرود آورند.

زندگی مردم می‌شود، ملموس انسان که سقف خانه را بر سر ت فرود می‌آورد و سینه‌ات را از هم می‌درد. اما جنگ شهرها حضور وحشت در همه جاست. وحشت فلج کننده است، وحشت بازدارنده است. نفرت تعمیق می‌یابد اما وحشت گاه فراتر از نفرت می‌رود. نفرت مبدأ حرکت است و وحشت مبدأ سکون. نفرت می‌گوید فریاد بر کش و وحشت می‌گوید بگیریز! همین بی‌آمدهای متناقض جنگ شهرهاست که تأثیرات متناقضی بر روی حرکات ضد جنگ مردم بجای می‌گذارد.

این جنایتکار بهما

ذاتی جنگ ارتجاعی است

جنگ شهرها عین تبهکاری و پلیدی دور زیم را عیان می‌سازد. مردم بی‌پناه را دسته دسته قربانی می‌کنند تا خمینی و صدام حسین سرود بیروزی بخرانند. صرف نظر از همه علل، صرف نظر از همه زمینه‌ها، صرف نظر از همه بهانه‌ها و صرف نظر از همه پی‌آمدها جنگ شهرها به عنوان جزء جدایی ناپذیری از جنگ ارتجاعی، تبهکارانه است، آدمکشی عربیان است، جنایتکارانه است. عزیمتگاه صدام حسین برای مبادرت به بمباران مناطق مسکونی برتری نیروی هوایی عراق و وادار ساختن خمینی به خودداری از پیشروی در جبهه‌هاست. خمینی از وحشتی که جنگ شهرها به پا می‌کند، می‌خواهد به سود خود بهره جوید. خمینی می‌خواهد نفرت مردم را از بمباران مناطق مسکونی به انتقام جبری بدل سازد و این حس را

بازیهای عوام‌فریبانه تبلیغاتی نیست، کشت نظامی هر دو طرف محدودیت‌های خاص خود را دارد و به علاوه هر دو سعی دارند که نشی شود کار را به یکبار تمام کرد. فکر یک ماه و دو ماه و شش ماه بعد راهم باید کرد.

در جنگ شهرها، عراق از موضع برتر حرکت می‌کند. نیروی هوایی صدام حسین به مراتب قوی‌تر از نیروی هوایی خمینی است. خمینی در عوض در روی زمین به لحاظ نفرت برتری نظامی دارد. در جنگ طبیعتاً هر دو طرف بر نقطه قوت‌های خود تکیه می‌کنند. این یک برگ حمله زمینی را زمین می‌زند و آن دیگری برگ حمله هوایی را در عین حال که هر دو طرف در عرصه‌هایی که دیگری برتری دارد از خود کمتر جنایتکاری نشان نمی‌دهند. بدین ترتیب جنگ شهرها مکمل جنگ در جبهه‌هاست. جنگ شهرها از این زاویه، ماهیت جنایتکارانه، کثیف و ارتجاعی این جنگ را به عین برای مردم نشان می‌دهد و آگاهی و نفرت حرکت برانگیز را تعمیق می‌بخشد. جنگ در همه جا حضور می‌یابد و جز ملموس از

اتحاد عمل، نیاز مبرم جنبش دمکراتیک زنان ایران

"تنها مادر آزادمی تواند شهروند آزاد پرورش دهد."

این حکم علمی جایگاه والای مبارزه در راه برابری حقوق زنان و مردان را، در مبارزه برای رهایی و آزادی همه انسانها بازگو می‌کند. طبقات ارتجاعی که ستم و نابرابری بر پایه وجودشان پدید آمده و برجا مانده است، پاسدار نابرابری زنان با مردان هستند. اکنون با اینکه مبارزه زنان در جهان، بر بستر دستاوردهای مبارزه کثیروهای ترقی و پیشرفت، به دستاوردهای بزرگی انجامیده است، اما رژیمهای ارتجاعی و حکومتهای طبقات استعمارگر هیچگاه نه می‌توانند و نه می‌خواهند به حقوق "مادر آزاد" کردن نهند، از این رودر این‌گونه رژیمها همچنان برابری حقوقی زنان به اشکال گوناگون نقض می‌شود.

در این زمینه رژیم ولایت فقیه در ایران یک نمونه بی‌همتاست. این رژیم حتی پیش‌پا افتاده‌ترین حقوق زنان را به خشن‌ترین شکلی زیر پا می‌نهد. مادران و زنان ایرانی حتی در اداره امورداخلی زندگیشان نیز آزاد نیستند. این ستمی است که بر همه زنان میهن ما اعمال می‌شود. اگر بار فقر و فلاکت، گرسنگی و بیکاری، در بدری و بی‌خانمانی بردوش زنان زحمتکش بیشتر سنگینی می‌کند، اما سارت و فشار مبتنی بر تبعیضات جنسی به یکسان زن ایرانی را رنج می‌دهد. ستم مبتنی بر تبعیضات جنسی زنان متعلق به همه اقشار و طبقات جامعه را دربر می‌گیرد. در برابر صف بزرگ زنان کشور که رژیم خمینی، دردهای مشترک را برای آنان رقم زده است، فقط گروه کوچکی از "خواهران" گوش بفرمان خمینی قرار گرفته‌اند که با تسکین آگاهانه و ناآگاهانه به احکام و قوانین ظالمانه رژیم، به مثابه آلت فعل ارتجاع عمل می‌کنند.

اکثریت زنان جامعه ما، صرفنظر از اختلافات طبقاتی و تمایزات قومی و مذهبی، در برابر خود دشمنی وحشی و متجاوزانه بینند که بر ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی آنان چنگ انداخته و تعرض

بپیداگرانه خود را تا درون حریم خانواده‌ها گسترده است. ابعاد ستم رژیم ولایت فقیه بر زنان بحدی گسترده است که تضاد توده زنان با رژیم ابعاد عمیقاً تعارض آمیزی بخود گرفته است. جنبشی که از این تضاد نیرو می‌گیرد و برای حل آن فرامی‌روید خصلتی عمیقاً دمکراتیک دارد. توده زنان امروز در هرنشست و محفلی، در هر اجتماع ناپایدار و تصادفی و در هر جمع پایدار خود در محیطهای کار و زندگی از تحمیلات ارتجاعی رژیم با نفرت سخن می‌گویند و نسبت به تبعیضات و ستمگریهای آن اظهار انزجار می‌نمایند. انزوای روز افزون رژیم در میان زنان، اعتراضات مستمر اما پراکنده زنان نسبت به سیاستهای جنگ افروزانه و اقدامات زن ستیزانه و ضددمکراتیک رژیم، نشانه ارتقا' سطح شعور و آگاهی اجتماعی و سیاسی زنان کشور است. تمامی این واقعیتها بروجود امکانات بزرگ و شرایط فوق‌العاده مساعد برای جذب اندیشه‌های ترقیخواهانه توسط زنان و سازمان‌یابی آنان حول اهداف دمکراتیک و انقلابی دلالت می‌کند.

متأسفانه عقب‌ماندگی عنصر ذهنی از شرایط عینی در این عرصه نیز خودنمایی می‌کند. سیطره استبداد خشن مذهبی، دشواری جدی موجود بر سر راه تشکیل‌یابی توده‌ها، عدم امکان فعالیت علنی تشکلهای واقعی دمکراتیک زنان و تفرقه و پراکندگی در صفوف پیشگامان جنبش دمکراتیک زنان کشور بر ابعاد این عقب‌ماندگی افزوده است. جنبش دمکراتیک زنان میهن ما مقدم بر همه از پراکندگی در صفوف نیروهای پیشرو خود رنج می‌برد. از این رو تلاش مسلولانه از جانب زنان انقلابی، دمکرات و ترقیخواه ایران برای دستیابی به اتحاد عمل، و مشاوره و همکاری پیرامون پاسخگویی به نیازهای جنبش دمکراتیک زنان کشور بیش از هر زمانی به یک ضرورت مبرم بدل شده است.

در حال حاضر اعتراضات و مبارزه عمومی زنان عمدتاً علیه قوانین

ارتجاعی مربوط به حقوق خانواده و تحمیل حجاب متمرکز است. بیم از تلاشی خانواده بر اثر حمایت قانونی رژیم از تعدد زوجات برای مرد، طلاق یکجانبه و عدم اختیار مادر در نگهداری فرزندان در صورت طلاق و با فوت همسر، عموم زنان و مادران را رنج می‌دهد. افزایش سرسام آور آمار طلاق و گسترش مصائب و تحمیلات ارتجاعی که از این رهگذر زنان کشور با آن دست‌بگریبانند، عاجلیت سازماندهی دفاع موثر از حقوق مساوی زن و مرد در چارچوب خانواده را بازگویی کند.

مبارزات زنان جهت کسب حقوق برابر با مردان و لغو احکام و قوانین ارتجاعی پیرامون امور خانواده در حال حاضر از اشکال مبارزات قانونی فراتر نرفته است. ارسال شکایت‌نامه به دادگاههای مدنی خاص و دادسرا عمده‌ترین شکل اعتراض زنان علیه اجحافات رژیم است. رژیم، حجاب اسلامی را به خشن‌ترین شکلی بر زنان میهن ما تحمیل کرده و می‌کند. پیامدهای ناشی از این تحمیلات تمام جوانب زندگی و همه عرصه‌های فعالیت فردی و اجتماعی زنان را دربرمی‌گیرد. زنان کشور به بویژه زنان شاغل، دختران دانشجو و دانش‌آموز به بیانه "بی‌حجابی" و "بدحجابی" مستقیماً در معرض متاکی و تحقیر، اخراج، یا تعلیق شغلی، محرومیت از تحصیل و نظایر آن قرار دارند. در مقابل با حجاب تحمیلی رژیم، که ابزاری در دست ارتجاع برای محروم ساختن زنان کشور از حقوق فردی و اجتماعیشان است، اعتراضات کمتر جمعی است.

سازماندهی این مبارزات، ارتقا' سطح و کیفیت آن، ایجاد رابطه و هماهنگی میان زنان فعال و آگاه و تبدیل مبارزات فردی به مبارزات جمعی، آن عرصه کار سازمانگرانه‌ایست که اتحاد وسیع‌ترین نیروهای ترقیخواه کشور را طلب می‌کند.

علاوه بر آن زنان ما پیامدهای فاجعه‌بار جنگ و اختناق رادر زندگی اجتماعی و خانوادگیشان با همه کوشش و پوست خود احساس می‌کنند و

از همین رود جنبش توده‌ای ضدجنگ و مبارزه علیه سرکوب و اختناق زنان و مادران فعالانه شرکت دارند. مبارزه برای صلح و آزادی پیوند تنگاتنگی با مبارزه برای کسب حقوق انسانی و اجتماعی زنان دارد. جلب و جذب هر چه بیشتر زنان به جنبش ضدجنگ و سازماندهی مبارزات صلح‌خواهانه آنان عرصه دیگریست که اتحاد عمل گسترده نیروهای دمکرات و مترقی کشور را می‌طلبد. کانون اصلی این سازماندهی، خانواده‌های قربانیان جنگ، آوارگان و جنگ زدگان کشورند.

سازمانگری خانوادگی زندانیان پیرامون دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه علیه شکنجه و بی‌حقوقی زندانیان عرصه دیگری از اتحاد عمل زنان دمکرات کشور است. تجربه نشان داده است که مادران، همسران، خواهران، فرزندان و کلیه منسوبین زندانیان سیاسی همواره فعالترین عناصر در افشا' جنایات رژیم و در دفاع از زندانیان سیاسی کشور بوده‌اند. از طریق سازماندهی فعالیت آنها و کار سازمانگرانه توسط آنها در میان توده زنان می‌توان سپاه عظیمی را در پیکار علیه استبداد مذهبی و بخاطر آزادی گرد هم آورد. در این عرصه مبارزه و عرصه‌های دیگری نظیر سازماندهی مبارزات زنان زحمتکش برای تامین و حفظ مسکن، مبارزه با گران‌ی و احتکار و کمیابی و نیز اتحاد عمل و همکاری وسیع کلیه زنان دمکرات و ترقیخواه کشور ضرورتی مبرم دارد.

تمامی این فعالیت‌ها در راستای آماده سازی توده زنان میهن ما برای شرکت هر چه فعالتر و موثرتر در مبارزه خلق برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. سرنگونی رژیم ارتجاعی ولایت فقیه آماجی است که تمامی نیروهای انقلابی و دمکرات و ترقیخواه جامعه بر سر آن وحدت نظر دارند. با تکیه بر این عنصر اصلی وحدت بخش، باید همه زنان انقلابی، دمکرات و مترقی کشور با حفظ نظرات و تعلقات ایدئولوژیک و سیاسی خود، به اتحاد عمل در سازماندهی جنبش دمکراتیک زنان میهن، به مثابه یک نیاز مبرم روآوردند تا قادر گردند اتحادهای گسترده توده‌ای در میان زنان را شکل بخشیده و شرایط لازم برای تامین رهبری واحد جنبش دمکراتیک زنان ایران را فراهم آورند.

برقرار باد برابری حقوق زنان با مردان!

رفسنجانی؛

"هر نقطه از خاک عراق را به تصرف

در آوردم، پس نخواهم داد."

کیهان ۲۲ بهمن ماه - حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم پایانی "دهه فجر انقلاب اسلامی" رسماً اعلام کرد که سیاست جمهوری اسلامی در قبال تصرف خاک عراق تغییر کرده است. رفسنجانی در ادامه این سخن که: "ما خود را با ملت عراق یکی می‌دانیم و امروز که اسلام حاکم شود اصفهان یا نجف یا تهران یا بغداد برای ما فرقی ندارد" صریحاً عنوان کرد: "البته اگر صدام بر سرکار باشد ما هر نقطه از خاک عراق را به تصرف در آوریم، پس نخواهم داد."

فراردهای نظامی

وزارت صنایع سنگین با ارگانهای نظامی

رسالت ۱۶ بهمن - معاون وزارت صنایع سنگین جمهوری اسلامی در گفتگویی با خبرنگار واحد مرکزی خبر فاش ساخت که این وزارتخانه در سال گذشته خطوط تولیدی بسیاری از واحدهای صنعتی را در جهت تولید جنگ افزار تغییر داده است. معاون وزارت صنایع سنگین با تأکید بر اولویت جنگ و "تغییر خطوط تولید به سمت تولید تجهیزات نظامی" اظهار داشت: "تنها در سال ۶۵ نزدیک به ۱۵ میلیارد تومان فراردهای نظامی با ارگانهای دفاعی کشور منعقد شده است تا واحدهای صنعتی سنگین انواع تجهیزات مورد نیاز جنگ را تولید نمایند". وی ضمن گفتگوی خود با واحد مرکزی خبر تصریح کرد که وزارت صنایع سنگین با کمبود فاحش ارز مورد نیاز خود روبرو است. وی گفت: میزان ارز

اختصاص یافته برای واحدهای صنایع سنگین در سال شصت و دو، نزدیک به ۲/۴ میلیارد دلار بوده، اما به دلیل کاهش قیمت نفت میزان سهمیه ارزی در سالهای شصت و سه و شصت و چهار به ۱/۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد و به ناچار تولیدات بسیاری از خطوط با کاهش یافت و یا متوقف شد."

معاون وزارت صنایع سنگین در ادامه گفتگویی خود فاش ساخت که این وزارتخانه در قبال واحدهای تولیدی که به مرحله بهره برداری رسیده اند ولی از نظر مواد اولیه با مشکل مواجه هستند سیاست "اولویت جنگ" را پیش خواهد برد. بر اساس این سیاست "این وزارتخانه براساس نیاز جیبه و اولیویتهای که محصولات صنعتی برای جامعه و جنگ دارند مواد اولیه در اختیار واحدهای تولید قرار می‌دهد."

معاون وزارت صنایع سنگین در ضمن اعلام کرد که تا پایان سال شصت و چهار و بر پایه سیاست جذب سرمایه‌های خصوصی به تولید، نزدیک به پنج هزار و پانصد فقره موافقت اصولی برای صنایع سنگین صادر شده است. وی میزان "رقم ثابت سرمایه‌گذاریها برای موافقتهای اصولی صادره را حدود ۲۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد."

"نقش استراتژیک ترکیه در اوضاع منطقه"

روزنامه جمهورییت چاپ ترکیه اعلام کرد تورکوت اوزال نخست وزیر ترکیه در ملاقات با مسئولین هیئت تحریریه روزنامه نیویورک تأیید اظهار داشته است که "ترکیه مایل به پیروزی یکی از طرفین در حال جنگ نیست" این در حالی است که ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا پس از ملاقات با تورکوت اوزال به خبرنگار روزنامه جمهورییت گفته بود: "وی با توجه به جمعیت ۵۰ میلیونی و موقعیت استراتژیکی ترکیه در منطقه معتقد است این کشور می‌تواند نقش بیشتری در مسائل منطقه

ایفا نماید. ترکیه از جمله کشورهای نادری می‌باشد که در کنار روابط خوب با اسرائیل و کشورهای عربی با دو کشور در حال جنگ ایران و عراق نیز دارای مناسبات خوبی است. بنابراین با شروع از این نقطه می‌تواند رل مهمی در حل مسائل جاری منطقه ایفا نماید."

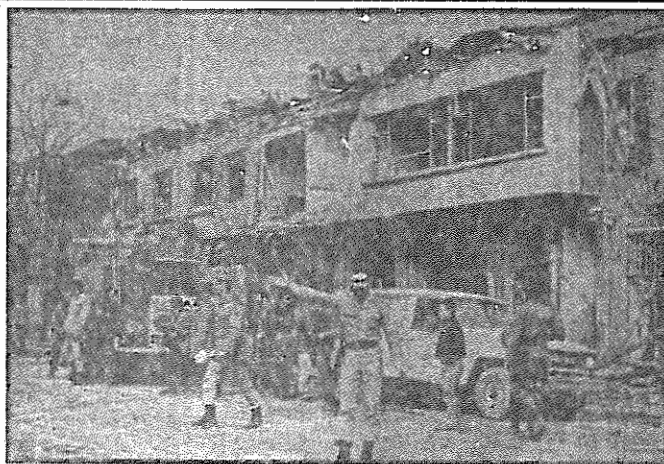
باید خاطر نشان ساخت که "لرد کارینکتون" دبیر کل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در گفتگویی در بروکسل پیرامون احتمال دخالت ترکیه بعنوان یک کشور عضو پیمان ناتو در مسائل خاور میانه گفت: "خاور میانه و تنگه هرمز خارج از منطقه ناتو هستند با این حال ترکیه خارج از پیمان حق دارد آزادانه در مسائل منطقه دخالت کند."

انتشار گازهای سمی

در منطقه عملیاتی بصره

کیهان ۱۹ بهمن - جمهوری اسلامی مدعی است که در جریان حمله توپخانه ای به مخازن مجتمع پتروشیمی بصره و در تبادل آتش روزانه بخشهایی از این مخازن منفجر شده، و موجب یخس کازهای سمی در منطقه گردیده است. بنابه گزارش جمهوری اسلامی، شدت انتشار این گازهای سمی جدی است که حتی در نواحی شمال شرقی منطقه عملیاتی در کتاره‌های دریاچه مامی آثار این گازها دیده شده است و در قسمتهایی از جزایر بوارین و ام التویل غلظت گازهای متصاعد شده بحدی بوده است که نیروهای جمهوری اسلامی نیز ناگزیر به استفاده از لباسهای ضد شیمیایی و بکارگیری ابزار خنثی‌سازی شده‌اند.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره متصاعد شدن گازهای سمی از مخازن پتروشیمی بصره در شرایطی انتشار می‌یابد که برخی از خبرگزاران بین‌المللی علت تصاعد گازهای شیمیایی در منطقه بقیه در صفحه ۶



شهربانی و در خارج از شهرها به عهده ژاندارمری است."

بدین ترتیب پس از بمباران وحشیانه مناطق مسکونی توسط رژیم عراق، سرکوبگران رژیم خمینی منطقه بمباران شده را محاصره می‌کنند. تا "امنیت" را برقرار سازند.

انقلاب اسلامی" خواهد بود.

قائم مقام کمیته‌ها تصریح کرد که "در زمان بمباران، حلقه اول امداد و امنیت به وسیله نیروهای کمیته تشکیل می‌شود و پس از پایان کار امدادگران (و در واقع پس از پایان سرکوب اعتراضات احتمالی)، حفظ و حراست منطقه در شهرها به عهده

بمبارانهای وحشیانه و سرکوب اعتراضات مردم

رژیم از مردم در هراس است، از مردمی که آواره شده‌اند، از مردمی که نفس عزیزان خود را بردوش می‌برند، از مردمی که از خانه‌ها، محقرشان ویرانه‌ای برجای مانده، از مردمی هستی سوخته که انزجار را با همه توانشان فریاد می‌کنند. آنان از اعتراضات مردم و همانا از گسترش این اعتراضات وحشت دارند. هراس از این اعتراضات، رژیم را بر آن داشته است تا ارگان سرکوب ویژه‌ای را سازمان دهد. قائم مقام کمیته‌های انقلاب اسلامی روز ۲۸ بهمن ماه در یک گفتگویی رادیو تلویزیونی تمهیدات جدید سرکوبگران رژیم را فاش ساخت. وی اعلام کرد که بدنبال بمبارانهای عراق، "شورای عالی نظارت بر پشتیبانی مناطق بمباران شده در نخست وزیری و زیر نظر

مستقیم نخست وزیر تشکیل شده است." کمیته اجرائی این شورا با شرکت معاونین وزارتخانه‌ها و فرماندهی کمیته تشکیل شده و زیر نظر معاونت اجرائی نخست وزیر اداره می‌شود. قائم مقام کمیته‌های انقلاب اسلامی در گفتگویی خود فاش می‌سازد که رژیم تحت عنوان "پشتیبانی مناطق بمباران شده" چه سیاستی را دنبال می‌کند. وی اعلام کرد: "یکی از کمیته‌ها، ده گانه نیز ستاد کمیته امنیتی و انتظامی است که در آن کمیته شهربانی و ژاندارمری، بسیج و کمیته انقلاب اسلامی شرکت دارند و مسئولیت برقراری امنیت در مناطق بمباران شده را بر عهده دارند." بنا بر این سیاست سرکوبگران که تحت عنوان "برقراری امنیت" ارائه می‌شود، مسئولیت کمیته امنیتی بر عهده کمیته

گزارشی از بیمارستان تبریز

در جریان جنگ شهرها و بیمارستانهای اخیر، شهر تبریز از جمله مناطقی بوده که بکرات توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده است. مردم شهر برای در امان ماندن از این حملات به مرشد، اهر، ماکو، جلفا، آذرشهر، میاندوآب پناه برده‌اند، بازماندگان، شیپا شهر را ترک کرده و صبح باز می‌گردند. رقم جمعیتی که روز از شهر خارج می‌شود به ۵۰ هزار تن می‌رسد. علاوه بر این هر روز هزاران تن شهر تبریز را به سوی شهرهای دوردست ترک می‌کنند. شهربانی برای جلوگیری از رفت و آمد شبانه، با صدور اطلاعیه‌ای که متن آن مرتب از رادیویوش می‌شود به مردم هشدار می‌دهد که "ما به علت کمبود پرسنل انتظامی قادر به تأمین امنیت خانه‌های ترک شده نیستیم". شهربانی با صدور این اطلاعیه و سلب مسئولیت از خود موجب گسترش سرعت و دزدی اموال از خانه‌ها و بازار شهر شده است. سیل مهاجرت از تبریز روزهاست که ادامه دارد. زندگی در شهر مختل شده است. خیابانها خلوت و سوت و کور است.

طی دو هفته اول بهمن ماه، بیش از ده نقطه از مراکز مهم و پرجمعیت شهر بمباران شده‌اند. دانشکده فنی دانشگاه تبریز یکی از این نقاط است. راکت پرتاب شده از هواپیما، از پشت بام بلفر دانشکده افتاده و در کارگاه آن منفجر شد. از افراد نزدیک به محل انفجار، ۲۵ تن کشته و عده‌ای مجروح شدند. بافاصله چندین دقیقه از همین محل، بیمارستان دانشگاه هدف قرار گرفت. این دومین بیمارستانی بود که مورد هجوم واقع شد. قبلاً هواپیماها بیمارستان کودکان را زده بودند. کارکنان و کودکان بستری در این بیمارستان به هنگام حمله هواپیماها به زیر زمین پناه برده و یک روز تمام نتوانستند از آنجا خارج شوند. همان موقعی که آنان در زیر زمین بودند، ساختمانهای "آبادائی و مسکن" در نخله‌ای دیگر بمباران شدند. هواپیماهای عراقی به سوی زندان تبریز واقع در ابتدای دروازه شهر نیز راکت پرتاب کردند. یکی از راکتها به وسط حیاط زندان افتاد. خبر تلفات ناشی از این حمله حتی در رسانه‌های محلی نیز بازتاب نیافت. کوی ولی عصر، و خیابان عباسی و آبرسانسی به دنبال هم مورد حمله واقع شدند. در

میدان ساعت، روبروی ساختمان شهرداری، بمب به یک مغازه سم فروشی اصابت کرد. در میان مردم گفته می‌شد که این محل بمباران شیمیایی شده است. در خیابان حافظ، بالاتر از میدان ساعت به سمت باغشمال، چندین واحد مسکونی به شدت آسیب دیدند.

در جریان حملات بعدی، ساختمانی در خیابان ۱۷ شهریور، هدف قرار گرفت. ساختمان فروریخت و ساکنین آن یکجا کشته شدند. از جمع کشته شدگان، تنها پیکر متلاشی شده ۷ تن از زیر آوار بیرون کشیده شد. این که به هنگام بمباران چندتن در ساختمان بوده‌اند، معلوم نشده است. در این خیابان به چندین ساختمان دیگر صدمه شدیدی وارد شد و سقف برخی از آنها فروریخت. هواپیماها، قراملک، عمارت و ماشین سازی را بیش از سایر نقاط زده‌اند. در این مناطق علیرغم وجود خانه‌های سازمانی کارگران و واحدهای مهم صنعتی و تولیدی، از پدافند هوایی خبری نیست.

عدم تأمین جانی در برابر تهاجم هواپیماهای عراقی، مردم را وادار به ترک خانه و زندگی خود کرده است. کثرت خروج جمعیت از شهر، وضعیتی را پدید آورده که برای اولین بار، اتوبوسهای شرکت واحد خالی از مسافر در خیابانها رفت و آمد می‌کنند. فروشگاهها و بازار بسته شده و ادارات به صورت نیمه تعطیل در آمده‌اند. حتی در ساعات میانی روز در نقاط پر رفت و آمدی مثل "چهار راه شهناز" به ندرت رانندگی به چشم می‌خورد. شهرداری برای جلوگیری از مهاجرت عمومی، دستور داده است وسط خیابانها را کنده و به اصطلاح پناهگاه عمومی بسازند. مردم به طنز می‌گویند دارند گوردسته جمعی می‌کنند.

با وجود مخالفت دولت، سیل گسترده مردمی که روزانه از شهر خارج می‌شوند، همچنان ادامه دارد. در شهرها و بخشهای نزدیک، چون سراب، بستان آباد، کوکان و دهات اطراف، از شدت ازدحام جمعیت جای سوزن انداز نیست. حتی باغهای اطراف اسکونیز اشغال شده‌اند، در مرند به علت کثرت مهاجرین اهل تبریز، نان و سایر ارزاق کمیاب شده و کرابه اتوبوس بین تبریز و مرند از ۱۵۰ ریال به ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال افزایش یافته است.

قسمتی از نامه یک دانشجوی پزشکی کرمانشاه

بمباران خم به ابرو نمی‌آورد. ولی متر می‌تد صبر کرد. ما مرگ را جلو چشمان می‌دیدیم. می‌دیدیم که دارند مدرسه شهر را می‌زنند. بیمارستان را می‌زنند و... می‌دانستیم که بالاخره ثروت ما هم می‌رسد. امروز هم می‌زنند، فردا می‌زنند. تصمیم گرفتیم خوابگاه را ترک کنیم. کارمان جمعی بود و نمی‌توانستند مخالفت کنند. بالاخره تن به تعطیلی دادند.

گرد و خاک بمباران خوابگاه نخوابیده بود که دانشکده علوم را هم زدند. کلاسهای درس به کلی ویران شد و دانشکده عملاً تعطیل. دیگر امید به اینکه در شهر شاید از بمبارانها در امان باشیم، نبود. مختصر اثنایه‌ای برداشتم و راه افتادم.

نامه دانش آموزی از تهران

"... زنگ تفریح بود و بچه‌ها در حیاط مدرسه پراکنده بودند. به یکباره صدایی در حیاط مدرسه پیچید. همه در جا میخکوب شدیم. رنگ به صورتمان نمانده بود. در فکر این بودیم که این صدای چه بود که دسته‌ای از هواپیماهای عراقی بالای سرمان ظاهر شدند. یکی از آن هواپیماها چنان به زمین نزدیک بود که سایه اش موقع رد شدن، روی بام ما پدید آمد. شاید کمتر از ۲۰ یا ۴۰ متر فاصله داشت. شاید هم کمی بیشتر. هر چی بود خیلی نزدیک بود. به عرم هواپیماهایی را به این نزدیکی ندیده بودم. حتی موشک‌های زیرش را هم تشخیص دادیم. هنوز اولی از تیر رس نتاها مان دور نشده بود که دومی سر رسید. این یکی، دیگر خیلی پایین بود. پایین و پایین. طوری بود که از ترس کنار کشیدیم. فکر می‌کردیم به شاخه درختان و یا به ساختمانی بلند اگر سر راهش باشد، برخورد خواهد کرد. ولی هواپیما آمد و با خیال آسوده از بالای سر ما رد شد. چنان غرق حیرت بودیم که ترس از بمباران یادمان رفته بود. حتی توفیلم‌ها هم چنین چیزی ندیده بودیم.

هواپیماها رفتند و ما داشتیم درباره صحنه‌هایی که دیده بودیم، صحبت می‌کردیم که آژیر قرمز را کشیدند. کسی توجهی به آژیر نداشت. داشتند همه را به پناهگاه دعوت می‌کردند، ولی خاطر همه از طرف هواپیماها جمع بود. آنها کارشان را کرده و رفته بودند.

روز بعد فهمیدیم که آن هواپیماها، به منطقه در تهران رانده‌اند. حالا در برخی نقاط شهر، آژیرهای دستی کلا داشته‌اند تا هر کس هواپیمایی دیده، دسته آژیر را بچرخاند و بقیه را خبر کند. خنده دار است وقتی این آژیرها را برای هواپیماهای خودی بکشند...

ارومبه، شهر عزاداران

"... همه چیز طی دو روز متوالی اتفاق افتاد. شنبه و دوشنبه. و هر دو سر یک ساعت معین. صبح، ساعت ده و بیست دقیقه. روز اول بمبارانش کردند. چه تعداد هواپیما بودند، معلوم نشد. ولی آنها راهم دیده بودند. در شمال و جنوب، در پایین و در بالای شهر. هر جا جمعیت بود آنها نیز بودند. در خیابان دانش، خیابان شریعتی ۱ و ۲، میدان مرکز اول، خیام، حافظ، خیابان دانشکده، خیابان طالقانی، و... و عفریت مرگ بود در هیات هواپیماها بر فراز شهر. بمب‌هایشان به هر کجا خورد، ویران کرد. پیکر دو کودک خردسال چنان متلاشی شده بود که پدرشان کیسه بدست گرفته و قتلعات بدن آنها را از میان سایرین جمع‌آوری می‌کرد. در دبیرستان دخترانه لغیا (شاهدخت سابق) در انتهای کوچه منوچهری، هنگامی که دانش آموزان در کلاس مشغول درس بودند، مورد اصابت بمباران قرار گرفتند. دانش آموزان دو طبقه که بمب به آنها اصابت کرده بود، یکجا کشته شدند. هواپیماها علاوه بر بمباران، مجروحین را از فاصله نزدیک به رگبار گلوله بستند. شاید فقط روضه‌خوان باغ رضوان (قبرستان شهر) بداند که بر چه تعداد از دانش آموزان این مدرسه بقیه در صفحه بعد

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

عملیاتی کربلای ۵ را، استفاده جمهوری اسلامی از سلاحهای شیمیایی اعلام کرده‌اند. بر اساس این گزارشها گازهای شیمیایی متصاعد شده از این سلاحها توسط جریان هوا به سمت سنگرهای نیروهای جمهوری اسلامی منتقل شده است.

سفارش ۲۴ هواپیمای جنگی توسط شورای همکاری خلیج

رسالت ۱۹ بهمن - به گزارش خبرگزاری فرانسه روزنامه واشنگتن پست با انتشار خبری اعلام کرده که عربستان سعودی و پنج کشور دیگر عضو "شورای همکاری خلیج" قصد دارند به منظور مقابله با حملات هوایی و موشکی علیه حمل و نقل نفتی در خلیج فارس، ۲۴ فروند هواپیمای شناسایی برای حراست از آبهای خلیج فارس از آمریکا خریداری کنند. این روزنامه همچنین نوشته است که هواپیماهای "لاکهید پی ۳ اوریون" بنیه دفاعی کشورهای شورای همکاری خلیج را تقویت کرده و می‌تواند به بمب‌های که در آبهای عمیق مورد استفاده دارند و نیز اژدر و موشکهای هارپون مجهز گردد.

از سوی دیگر ناخدا یکم ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد که جمهوری اسلامی پیرو سیاست شناسایی و توقیف کشتی‌های تجاری از سال ۶۴ تاکنون بیش از ۱۲۰ کشتی تجاری را شناسایی و بازرسی کرده و "حدود ۴۲ فروند از آنها به علت اینکه کالاهای خود را به عراق حمل می‌کردند"، توقیف و مصادره کرده است. وی اعلام کرد که هم‌اکنون دو واحد شناور دریایی جمهوری اسلامی در آبهای اقیانوس هند حضور دارند.

ارومیه، شهر عزاداران

بقیه از صفحه قبل

نماز گزارده است. هواپیمای دیگری کلیسای "ننه مریم" یکی از سه کلیسای ارومیه و کوچه‌های اطراف آن را هدف قرار داد. کلیسا به شدت صدمه دید و ساختمانی که در جوار آن واقع بوده فرو ریخت. همه اعضای خانواده ساکن ساختمان، جانشان را از دست دادند. در خیابانی دیگر و پایین‌تر از فلکه خیام یک کاری نفت‌فروشی بر اثر اصابت رگبار مسلسل هواپیما، آتش گرفته و آتش برخاسته از آن به دانش آموزانی که اطراف کاری بودند، سرایت کرد. در میدان مرکز و در میان دستفروشان و در هر نقطه‌ای که راکت‌ها اصابت کردند، دمها کشته به جای ماند.

بار دوم، یک روز پس از بمباران اول بمب افکن‌های یک بار دیگر آمدند. دوشنبه، صبح و همان ساعت قبلی، می‌دانستند که شهر بی‌دفاع است. آمدند پایین و باز پایین‌تر و در یک چشم برهم زدن چوی خون بر کف زمین جاری شد و شیون مردم سینه آسمان را درید. این بار هم بمباران کردند و هم به رگبار مسلسل بستند. چنان آسوده خاطر بودند که انتظار که در دشتی هموار به درو نشسته‌اند. مردم درمانده شده بودند. به کجا پناه ببرند؟ مادری

وضعیت شرکت‌های تعاونی

رسالت ۲۱ بهمن - خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از گزارش سازمان مرکزی تعاون کشور اعلام کرد که جمع شرکت‌های تعاونی در سراسر کشور به ۱۷۸۴۵ عدد رسیده و مجموعاً با ۹/۲۴۲/۷۴۲ عضو، دارای سرمایه‌ای بالغ بر ۱۴۸ میلیارد تومان هستند. بر اساس این گزارش دولتی، از مجموعه تعداد تعاونی‌های کشور، ۴۹۱۱ واحد شرکت تعاونی کارگری و مابقی تعاونی‌های غیر کارگری، روستائی و صیادی می‌باشند. تعداد اعضای تعاونی‌های کارگری بالغ بر ۲۲۴/۶۶۲ نفر و سرمایه این تعاونی‌ها بیش از ۲۳۸ میلیون تومان اعلام شده است. در بین تعاونی‌های موجود در کشور، تعاونی‌های غیر کارگری بیشترین سهم از سرمایه عمومی تعاونی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

تغییر نام باشگاه پرسپولیس از "آزادی" به "پهروزی"

کیهان ۲۷ بهمن ماه - اداره کل تربیت بدنی استان تهران اعلام کرد "به پیشنهاد معاون فرهنگی و اجتماعی بنیاد مستضعفان و موافقت اداره کل تربیت بدنی استان تهران باشگاه آزادی (پرسپولیس) به پیروزی تغییر نام یافت."

باید خاطر نشان ساخت که نام باشگاه پرسپولیس چندی پیش به "آزادی" تغییر یافته بود. اینک وحشت مسئولین از استفاده سیاسی مردم از واژه "آزادی" (از طریق دادن شعار زنده باد آزادی کثرت‌ترویج‌های ورزشی، آنها را بر آن داشته تا مجدد نام این باشگاه را به "پهروزی" تغییر دهند.

از میان دیگر رویدادها

● کیهان هوایی ۲۹ بهمن اعلام کرد هادی خامنه‌ای نماینده مجلس شورای اسلامی در جریان انفجار نارنجک در راهپیمایی ۲۲ بهمن مشهد مجروح شده است.

● رسالت ۲۲ بهمن - عتیبه وزیر نفت امارات متحده عربی که ریاست کمیته همکاری نفت گروه وزرای نفت شش کشور عضو شورای همکاری خلیج را بر عهده دارد اعلام کرد: "چنانچه تصمیمات متخذه در اجلاس گذشته اوپک (دسامبر ۸۶) برای تثبیت بازار نفت کافی نباشد، سازمان کشورهای صادر کننده نفت به منظور حمایت از سطح فعلی قیمت نفت (۱۸ دلار در هر بشکه) احتمالاً یک اجلاس اضطراری تشکیل خواهد داد."

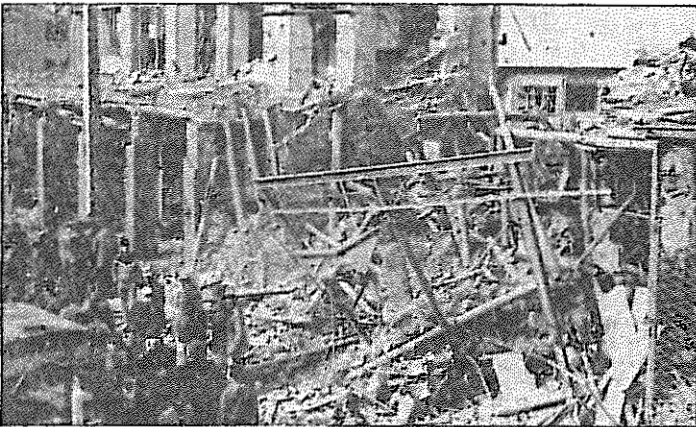
● کیهان ۲۵ بهمن - جعفری وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی اعلام کرد: "سیاست نوین اقتصادی دولت (صرفه‌جویی اکید ارزی) با افزایش قیمت نفت تغییری نخواهد کرد."

● روزنامه رسالت ۱۸ بهمن - بدنبال تکرار حوادث ناشی از اصابت کلوله‌های پدافند هوایی رژیم به منازل و نقاط مسکونی، یک مقام نظامی رژیم به مردم در این رابطه هشدار داد و "از مردم کشورمان خواست به هنگام اقدام به شلیک پدافند هوایی در مناطق امن پناه بگیرند تا از آسیب احتمالی در امان بمانند."

● رسالت ۲۱ بهمن - "ویکتور آلارد" سفیر بلژیک در تهران بعنوان نماینده جامعه اروپا با ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد. نماینده جامعه اروپا در این اظهار داشت: "برای جامعه اروپایک ایران قوی، بسیار مهم است."

چه هست، چنان است که در شهر عابری به چشم نمی‌خورد. بازماندگان، از شهر خارج شده‌اند. گردآباد، عسکر آباد، ساعدلو، غلظتیه، قوشاقوه لر و... همه روستاهای دور و نزدیک ملو از جمعیت است. حتی "چرز" داخل آلچپق باغهای انکور نیز برای پناهگاه به اجاره داده شده‌اند. مدارس رسماً تعطیل شده و برخی دانش آموزان به شهرهای ماکو، نقده، سلماس، خوی منتقل شده‌اند. کارمندان و

برای آنکه جان بچشان را نجات دهد، اورا روی کف زمین خوابانده و خود روی او دراز کشیده بود. با اصابت اولین ترکش‌های راکت، بیکر هر دو در خون غلتید. و چنین بود که کشته‌ها، بسته شدند. می‌گویند چون نتوانسته‌اند همه کشته‌ها را خاک کنند، آنها را کنار دریاچه نگهداشته‌اند. هنوز هم رقی نیست که در آن روزهای سیاه و خونین چه تعداد کشته شدند. می‌گویند: هزار نفر، می‌گویند دوهزار نفر، و... هر



صحنه‌ای از شهر ویران شده ارومیه توسط هواپیماهای عراقی

بویژه کارکنان امور درمانی و پزشکان شهر در حالت آماده‌باش نظامی هستند. هنوز هم جمعیتی که در زیر زمین دادگمتری پناه گرفته، بیرون نیامده است. بسیاری از خانواده‌ها از کار افتاده و تا مین ارزاق به امر حیاتی تبدیل شده. برخی مواقع مردم برای تهیه غذا به ملال احمر و بیمارستان مرکزی شهر رجوع می‌کنند... ●

گزارشی از وضعیت تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کوچک

در شماره‌های گذشته نشریه، گزارش‌هایی در مورد اخراج و بازخرید کارگران، وضعیت سوخت و ارزاق درج کردیم. این سلسله گزارش‌ها را با انتشار گزارشی در مورد وضعیت کارگاه‌های صنعتی کوچک در تهران و اوضاع مغازه‌داران ادامه می‌دهیم:

رکود در کارگاه‌های صنعتی کوچک

در تهران، کارگاه‌های مختلف صنعتی شامل تراشکاری‌های بزرگ و کوچک، ریخته‌گری‌ها، تعمیرگاه‌های ماشین‌آلات سنگین، برخی کارخانه‌های کوچک تولیدی و... عمدتاً در اطراف جاده ساوه، اطراف خیابان دماوند، از سه راه آذری تا میدان قزوین و اطراف جاده قدیم کرج متمرکز هستند. برای ارائه تصویری از وضعیت عمومی این کارگاه‌ها، شاید چند نمونه از آنها تشریح می‌شود. ابتدا یک تعمیرگاه ماشین‌آلات سنگین راه‌سازی (بولدوز، لودر و...) را مثال می‌زنم. این کارگاه در... قرار دارد. تا چند ماه پیش ۲۰ کارگر در آن به کار اشتغال داشتند که اکنون همه آنها اخراج شده‌اند. وقتی ما وارد کارگاه شدیم تنها صاحب آن به همراه سرباز در آنجا حضور داشتند. صاحب کارگاه به مطالعه کاتالوگ ماشین‌آلات مشغول بود. وی می‌گفت "وضع خراب است. چون دولت ۹۰ درصد پروژه‌هایی را که در دست اجرا داشت تعطیل کرده است کار ما هم که تعمیر ماشین‌آلات راه‌سازی است بسیار کم شده است. ما اکنون نمی‌دانستیم بیکاری چیست!" وی از وضعیت آینده بدت نگران بود.

دو مورد دیگر از تعمیرگاه‌های ماشین‌آلات سنگین را مثال بزنم. در یکی از آنها هر چند کار برای انجام وجود داشت اما از رونق چندانی برخوردار نبود، مورد دوم وضعیت خاصی داشت. صاحب آن به دلیل پارتی و قوم‌ خویشی که در جهاد داشت کارگاه را تعطیل کرده و ابزار و وسایل و امکانات آنرا در یکی از معادن متعلق به جهاد بکار گرفته بود، از این طریق کار و بار پر سود و پر رونقی داشت.

وضعیت یک کارگاه تراشکاری و تشریح می‌کنم. در این کارگاه نسبتاً بزرگ تنها ۴ کارگر به کار مشغول بودند. این کارگاه برای کارخانه‌ای که کمپرسور تولید می‌کرد پروانه

ریخته‌گری شده را تراش می‌داد. خود کارخانه به دلیل اینکه می‌بایست موتور و برخی از قسمتهای دیگر کمپرسور از خارج وارد کند در آستانه تعطیلی قرار داشت. خوابیدن کارخانه به معنای بیکار شدن کارگاه ریخته‌گری، تراشکاری مورد نظر و اگر چندین کارگاه دیگر است. اگر تراشکاری مزبور در گذشته برای تراش هر پروانه ۱۰۰ تومان می‌گرفت امروز با طیب خاطر حاضر است همان کار را با ۷۰ تومان انجام دهد. مزد کار بدت پایین آمده است.

تعداد بسیار زیادی کارگاه و کارخانه پلاستیک‌زنی در تهران موجود است. تنها پس از انقلاب بیش از ۱۰۰ کارگاه کوچک و بزرگ پلاستیک‌زنی و در کنار آن تعداد زیادی کارگاه‌های قالب‌سازی و کارخانه‌های تولید کننده پرس‌های تزریق پلاستیک ایجاد شده است. حجم تولید و کیفیت محصول این بخش از کارگاه‌های تولیدی بالا و قابل توجه است. این گونه کارگاه‌ها بخاطر نیاز مفرط بازار به محصولات آنها تا سال ۶۲ رشد و گسترش چشمگیری یافت. مواد اولیه به وفور وارد می‌شد.

اما اکنون مواد اولیه مورد نیاز کارگاه‌های پلاستیک‌زنی (پی. وی. سی) بدت کمیاب شده است. صاحبان این کارگاه‌ها مجبورند با قیمت‌های گران مواد اولیه را تهیه کنند. اجناس نایلونی و پلاستیکی بدت گران شده‌اند. به عنوان نمونه کیسه فریزر و کیسه زباله نایلکس را مثال می‌زنم. فریسه کیسه فریزر محتوی ۱۲ عدد با کیفیت نسبتاً خوب در پاییز سال گذشته حداکثر ۱۲ تومان بفروش می‌رسید ولی اکنون همان تعداد کیسه فریزر با کیفیت پایین ۲۰ تومان یا بیشتر فروخته می‌شود. قیمت کیسه زباله با کیفیت بسیار پایین به هر عدد ۱۰ الی ۱۵ ریال رسیده است. اکثر خانواده‌ها دیتر از کیسه زباله استفاده نمی‌کنند. آشغال داخل سطل ریخته شده و سطل را کنار خیابان می‌گذارند. این مسئله وضعیت بهداشت را وخیم‌تر کرده است. صبح‌ها بوی آزار دهنده آشغال‌ها همه جا به مشام می‌رسد.

آن دسته از وسایل پلاستیکی که جزء احتیاجات ضروری و اولیه نیست مثل اسباب‌بازی و برخی لوازم منزل گران شده و مشتری زیادی هم ندارند. اکنون تولید کنندگان با مشکل فروش آنها مواجه شده‌اند. آنان حاضرند این تولیدات را بطور افساد پذیر اختیار بازار و یا تک‌فروشی‌ها قرار دهند. امری که تاکنون سابقه نداشته است. قبلاً خریدها بصورت پیش‌خرید و یا

نقد انجام می‌گرفت.

کمبود مواد اولیه "شغل"های جدیدی نیز بوجود آورده و در شکل بسته‌بندی محصولات تغییراتی را ایجاد کرده است. اینک ظرف‌های محتوی مایع ظرفشویی بطور مثال "ریکا" که قبلاً بیکار مصرف بود توسط "نمکی"ها و افراد بیکار جمع‌آوری شده و به کارخانه‌های تولید کننده مایع ظرفشویی فروخته می‌شود. این کارخانه‌ها نیز به علت گرانی ظروف پلاستیکی ترجیح می‌دهند محصولات خود را در سطل‌های ۲۰ لیتری به تعاونی و مغازه‌ها بفروشند. این امر در مورد کارخانه‌های کتسرو سازی و تولید و بسته‌بندی مواد غذایی همچون رب گوجه‌فرنگی و... که مواد اولیه آن‌ها در ایران تولید می‌شوند نیز صادق است، زیرا ورق‌فلزی و یا مواد دیگر برای بسته‌بندی که از خارج باید وارد شود، به شدت کمیاب شده است.

کساد بازاری و فروشنده‌گان خرد

وضعیت بد اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم و ناتوانی دولت در تامین ارز برای ورود کالا، وضعیت خرده‌فروشی و مغازه‌داران را نیز به نسبت سال قبل خراب تر کرده است. این امر حتی از ظاهر بازار تهران نیز مشخص است. جدا از تجاربزرگ و فروشندگان عمده کالا که معاملات خود را به روال دیگری انجام می‌دهند، مغازه‌داران و فروشندگان خرد از "کساد" بودن کاسبی‌شان می‌نالند. وضع کاسبی مغازه‌دارانی که مواد غذایی می‌فروشدند و بقال‌هایی که دارای سهمیه روغن، قند و شکر، پنیر، شیر، ماست و... هستند نسبت به سایرین بهتر است. فروشگاه‌هایی که کالاهای لوکس و یا کالایی که مورد نیاز حاد مردم نیستند را می‌فروشدند از میزان سودشان کاسته شده است. بطور مثال در شهریور ماه امسال با مغازه‌داری در حوالی میدان... گفتگویی داشتم. در مغازه او که ۱۲ متر مربع مساحت دارد لباس بچه و وسائل کادویی بفروش می‌رسد. وی می‌گفت: "پارسال که در آمد و فروش ما حساب کردم مبلغ ۸۰ هزار تومان سود خالص داشتم که این مبلغ نصف در آمد سال ۶۲ بود. امسال با این وضعیتی که بدت درآمد کم‌تر از سال ۶۴ خواهد بود."

در کنار همین مغازه، یک بقالی وجود دارد که میزان سرمایه موجود در آن با مغازه مزبور مساوی است.

صاحب این بقالی تا دو سال پیش از آن حزب الهی‌های دوآتشه بود بطوری که هر کس به رژیم بد می‌گفت یا او کلاویز می‌شد، دو سال است که به خمینی و اعوان و انصارش رکبیک ترین فحش‌ها را نثار می‌کند و به کسانی که قبلاً با آنها درگیر شده بود می‌گوید: "والله تقصیر من نبود این آخوندها مرا گول زدند." این شخص در رژیم جمهوری اسلامی مغازه‌اش را از یکی به دو تا رساند و خانه‌ای هم ساخت که ماهیانه ۸ هزار تومان اجاره‌اش را می‌گیرد. از اواخر سال ۶۴ که کاسبی کساد شد، مغازه قصابی را تعطیل کرد. سر تا پای بقالی‌اش را نگاه کنی ۲۰ هزار تومان جنس در آن پیدا نمی‌شود ولی سهمیه قند و شکر، روغن، تخم مرغ، پنیر، سیگار و... دارد اگر آنها را به قیمت رسمی بفروشد روزی ۱۰۰ تومان هم درآمد ندارد. اما او فوت و فن کاسبی در این رژیم را بلد است. مثلاً همین چند هفته پیش چندین حلب پنیر خارجی را که کیلویی ۱۷ تومان خریده بود کیلویی ۹۰ تومان بفروش رساند. این پنیر باید در مقابل کوبین فروخته می‌شد و کوبینا به ستاد بسیج اقتصادی بازگردانده می‌شد. اما اینگونه افراد با بدو بست سرتو قضایه را هم می‌آورند. اوستکارها را هم در دستروشی‌ها به دو یا سه برابر قیمت بفروش می‌رساند. و باین ترتیب شاید درآمدی بیش از ۵۰۰ تومان در روز داشته باشد با وجود این همین شخص می‌گوید: "امسال از آن سال‌هاست"

در اینجا لازم به تاکید است که دلالی و خرید و فروش و بویژه خرید و فروش کوبین رشد و گسترش چشمگیری یافته است و بتوان یک مرض مزمن به جامعه ما تحمیل شده است. کمیاب شدن برخی کالاها و کوبینی شدن برخی دیگر بازار کوبین فروشی را رونق داده است. واضح است که در گرمی بازار کوبین، تشدید فقر و نیاز شدید برخی از مردم به پول حاصل از فروش کوبین نقش بارزی دارد.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه کمبود کالا و سرگردانی‌های مربوطه و بند و بست‌های پنهان برخی از بقالی‌ها، کم و بیش تلفی بدی از آنها را در مردم بوجود آورده است. زیاد شنیده می‌شود که "اگر روزی گفته شود، کوبین بی کوبین، بقالی‌ها برچم سیاه آویزان خواهند کرد."

اما بطور کلی باید گفت وضعیت فروشندگان خرد رو به وخامت نهاده است و بویژه در رابطه با "کم‌مایه"ترین آنها و دستفروشان و هم آنها بی دستشان در بالا به جایی بند نیست. در میان این عده پدیده مهاجرت به شهرستانها و روستاها هم دیده شده است که به نظر می‌رسد شدت پیدا کند. هم‌زمان هم شاهد مهاجرت از تهران و هم ورود تعداد کثیر دیگری از شهرستانها و روستاها به تهران هستیم.

سرود صلح و آزادی در جشن های

شانزدهمین سالگشت تولد فدائیان خلق

برلین غربی

جشن گرامیداشت اعلام موجودیت فدائیان در برلین غربی را تشکیل می دادند که با استقبال شایان توجه حاضرین روبرو شدند.

حزب کمونیست عراق - برلین غربی، حزب متحده سوسیالیست برلین غربی، حزب توده ایران - فلسطین - برلین غربی، حزب کارگران و دهقانان پاکستان - برلین غربی، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا و ... از جمله نیروهایی بودند که با ارسال پیام و یا حضور نمایندگان خود در جشن، زادروز فدائیان را شادباش گفته، پشتیبانی خود را از رژیم یویای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه پایان دادن به حکومت ارتجاعی خمینی و برای بهروزی کارگران و زحمتکشان ایران اعلام کردند. در پیام هایی که به همین منظور در مراسم جشن قرائت شدند، بر پیوندهای برادرانه فدائیان برای پایان دادن به جنگ و آزادی زندانیان سیاسی ایران تاکید گردید.

جشن زادروز فدائیان در روز ۲۵ بهمن با شرکت گروهی از هم میهنان ما و میهمانان آلمانی، پاکستانی، فلسطینی، عراقی و ... در سالنی که با تمسویب بنیانگذاران سازمان و شمارهایی چون پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آذین شده بود، برگزار گردید.

برنامه این جشن با یک دقیقه سکوت در بزرگداشت شهیدان خلق ایران و در پی آن دکلمه شعر "سیاهکن" از رضا مقصدی، همراه با موسیقی افتتاح شد. سپس پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران به زبانهای فارسی و آلمانی خوانده شد.

اجرای سرودههایی در دفاع از مبارزات خلقهای آفریقا، صلح و همبستگی جهانی به زبانهای آلمانی، آفریقایی و ایرانی توسط گروه کر سازمان جوانان حزب متحده سوسیالیست برلین غربی، اجرای موسیقی سنتی ایران توسط هواداران سازمان و اجرای چند تراشه سرود از سوی گروه نوشین برنامههای هنری

یوگسلاوی

دیگری از برنامه جشن را تشکیل می دادند.

این جشن با شعرخوانی و سرودهای انقلابی به زبانهای عربی، انگلیسی، فارسی و آذری، پاسخگویی به پرسش های برخی از میهمانان در باره اوضاع ایران و بدنبال آن اجرای سرود انترناسیونال ادامه یافت.

مراسم گرامیداشت رویداد تاریخی ۱۹ بهمن در یوگسلاوی با صدور قطعنامه ای که به امضای شرکت کنندگان از کشورهای مختلف در جشن رسید، پایان پذیرفت. در این قطعنامه بر خواست قطع بی درنگ جنگ ایران و عراق، پایان دادن به نقض حق بشر از جانب رژیم های مستبد و کشور، آزادی زندانیان سیاسی و اعزام هیات های بین المللی برای تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر در خاک طرفین تاکید شده است.

در سالروز ۱۹ بهمن، فدائیان خلق در یوگسلاوی، ۱۶ سال رژیم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را جشن گرفتند. این جشن که با حضور نمایندگان از هواداران حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست فلسطین، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین در یوگسلاوی و میهمانانی از آفریقا برگزار شد، برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت در بزرگداشت خاطره فدائیان به خون خفته و دیگر جانباختگان جنبش انقلابی ایران، آغاز شد.

بخش نوآرادیویی سازمان در ۲۲ بهمن ۵۷ و قرائت دو مقاله به زبان یوگسلاویایی در باره تاریخچه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و مواضع کنونی آن در نبرد برای صلح و آزادی بخش های

کانادا

می گیرند، حمایت می کنیم. کمونیست های کانادایی در بخش دیگری از پیام خود آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شده اند. پیام با این جملات پایان می یابد: "ما گرم ترین همبستگی برادرانه خود را با مبارزات قهرمانانه و شکر مردم ایران برای آزادی، عدالت و دموکراسی و نیز پایان بخشیدن به حکومت ارتجاع در ایران، اعلام می داریم. ما در این مبارزه با شما و همه نیروهای مترقی هستیم." اجرای ترانه سرودههایی توسط گروه کر فدایی، اجرای موسیقی

مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن، زادروز فدائیان خلق در شهر تورنتو - کانادا، با استقبال ایرانیان و حضور قابل توجه دوستداران خارجی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزار شد.

این مراسم پس از یک دقیقه سکوت به احترام فرزندان به خون تپیده خلق ایران و با سخنرانی رفیق "مل" عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا و قرائت پیام این حزب به سازمان (که یک هفته پیش از برگزاری جشن در "تریبیون" ارگان حزب کمونیست کانادا چاپ شده بود)، افتتاح گردید.

حزب کمونیست کانادا در پیام خود ضمن اشاره به ماجرای "ایران کیت" همراهی خمینی و ریگان در ادامه جنگ و کشتار در ایران را محکوم کرده و نوشته است: "حزب ما خواهان خاتمه جنگ است." در بخش دیگری از این پیام آمده است: "ما از همه تلاشهایی که برای اتحاد همه نیروهای مترقی در ایران بمنظور سرنگونی ارتجاع و برای پیشرفت، دموکراسی و ترقی اجتماعی انجام

استرالیا

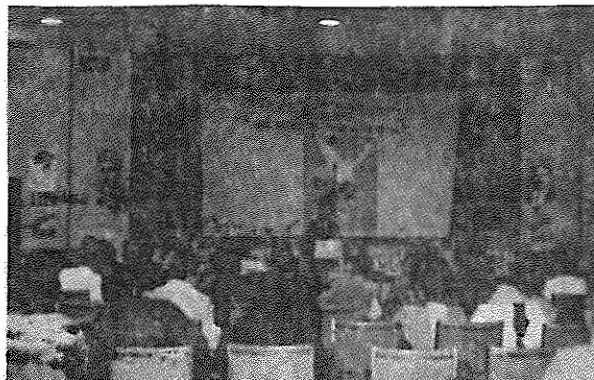
مراسم شانزدهمین سالگشت اعلام موجودیت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت جمعی از ایرانیان و نمایندگان احزاب و سازمانهای انقلابی پیشرو در شهر سیدنی استرالیا برگزار شد. سخنرانان این مراسم که پیام احزاب یا سازمان خود را قرائت می کردند ضمن حمایت از مبارزه فدائیان خلق در راه صلح و آزادی، ادامه جنگ و اختناق در ایران را محکوم نموده، برای فدائیان و سایر نیروهای انقلابی کشور ما پیروزی آرزو کردند.

برای این مراسم از سوی حزب سوسیالیست استرالیا، سازمان جوانان سوسیالیست استرالیا، حزب کارگران سوسیالیست، حزب کمونیست اسپانیا - استرالیا، حزب کمونیست اروگوئه - استرالیا، حزب دمکرات بین النهرین عراق - استرالیا، حزب کمونیست ترکیه - استرالیا و حزب سوسیالیست کردستان ترکیه - استرالیا پیام های شادباش ارسال شد.

آمریکای لاتین به همت یک گروه شیلیایی و نمایش فیلم از دیگر برنامه های این جشن بودند.

از سوی هواداران حزب توده ایران، انجمن پرتغالی های کانادا و انجمن یونانی های کانادا پیام های تبریکی برای مراسم ارسال شده بود که در لابلای برنامه قرائت شدند.

همچنین در محل برگزاری جشن، نمایشگاههایی از عکس های جنگ، فعالیت های تبلیغاتی فدائیان در داخل کشور و نیز کاریکاتورهای افشاگرانه در مورد روابط حکومت خمینی و دولت ریتان برپا بود.



ایمان به توده‌ها، مبنای اطمینان به پیروزی است

ژرف خود به توده‌ها گرفته بودند. در سالگرد شهادت آثان یکبار دیگر بر وصیت‌نامه‌های این فداییان قهرمان به نقل از کیهان ۶ اسفند ۵۷ نظرمی افکنیم. دروازه‌وازه این دو وصیت‌نامه کوتاه، ایمان به پیروزی مرج می‌زند. از آثان بیاموزیم! از آثان الهام گیریم! ما نیز به پیروزی خود بر نظام فاشیستی خمینی که فرزند خلف نظام خود کامه سلطنتی است ایمان داریم چرا که به خلق خود ایمان داریم. ایمان به توده‌ها، مبنای اطمینان به پیروزی است.

۲۹ بهمن، سیزدهمین سالگرد شهادت رفقا خسرو گل‌سرخ و کرامت دانشیان است. یاد و نام این دلاوران که بیدادگاه شاهی را به محکمه‌ای بدل ساختند که در آن شاه و دستگاه جهانی او در مقام محکوم قرار گرفتند، هیچ‌گاه از خاطر ملت ایران محو نخواهد شد. به یاد آوردن دفاعیات این دلاوران همواره الهام بخش ماست. آنها در دفاعیات خود و در وصیتنامه خود با اطمینان تمام از روزی سخن گفتند که نظام شامشاهی با انقلاب توده‌ها برچیده شود. آنها این اطمینان به پیروزی را از ایمان

☆ وصیتنامه رفیق خسرو گل‌سرخ

"من یک فدایی خلق ایران هستم و شناسنامه من جز عشق به مردم چیزی دیگر نیست. من خورم را به توده‌های گرسنه و پابرنه ایران تقدیم می‌کنم و شما آقایان فاشیستها، که فرزندان خلق ایران را بدون هیچ‌گونه مدرکی به قتلگاه می‌فرستید، ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام خون فرزندان خود را خواهد گرفت. شما ایمان داشته باشید از هر قطره خون ماصدها فدایی برمی‌خیزد و روزی قلب همه شما را خواهد شکافت. شما ایمان داشته باشید که حکومت غیر قانونی ایران که ۲۸ سیاه مرداد به خلق ایران توسط آمریکا تحمیل شده، در حال احتضار است و دیر یا زود با انقلاب قهرآمیز توده‌های ستم کشیده ایران درو و واژگون خواهد شد. شاعر و نویسنده خلق ایران - خسرو گل‌سرخ خون ما پیرهن کارگران، خون ما پیرهن دهقانان، خون ما پیرهن سربازان، خون ما پرچم خاک ماست.

☆ وصیتنامه رفیق کرامت الله دانشیان

مردم ستم کشیده ایران همیشه فرزندان جان برکف خود را در راه مبارزه، بسیار از دست داده‌اند. این شرط مبارزه و جنبشی است. فداکاریها، از جان گذشتگی‌ها، مقاومت‌ها، کمر دشمن را خواهد شکست و این خامترین خیال است که مدام فرزندان مردم در اثر خیز انقلابی کشته شوند. این خیال فقط در ذهن دشمنان مردم می‌تواند وجود داشته باشد. جنبش اوج خواهد گرفت، همه کبر خواهد شد و کارگران و کشاورزان و اقشار توی دست و تحت ستم زندگی نوین وسعادتمند را صاحب خواهند شد.

مرگ ناچیز ترین هدیه ما برای پیروزی مردم ماست. هر مرگ دریچه ایست که به روی تباهی‌ها بسته می‌شود و هر مرگ دریچه ایست که بر روی دروغ، فحشا، فقر و کسرتگی بسته خواهد شد و آنگاه دریچه ای باز خواهد شد که از آن نور زندگی بتابد. به این نورتن بسپاریم، به این نور فدایی مردم - کرامت دانشیان

خسرو گل‌سرخ	کرامت دانشیان
باید که دوست بداریم یاران	باید که دوست بداریم یاران
باید که چون خزر بخروشم	باید که چشمه‌های شمالی، بی‌مصیبت نماند
فریادهای ما اگر چه رسائست	باید که دست‌های خسته بیاسایند
باید یکی شود	باید که سفره‌ها همه رنگین
باید تهنیدن هر قلب، اینک سرود	باید که خنده و آهنده، جای اشک بگیرد
باید که سرخی هر خون، اینک پرچم	باید بهار،
باید که قلب ما،	در چشم کودکان جاده‌ی ری
سرود و پرچم ما باشد	سبز و شکفته و شاداب
باید در هر سپیده‌ی البرز	باید بهار را بشناسند
نزدیکتر شویم	باید "جوادیه" برپا بشاود
باید یکی شویم	لعل، این‌شانه‌های ما
اینان هر اشان زیگانگی ماست	باید که رنج را بشناسیم
باید که سرزند	وقتی که دختر رحمان،
طلبه‌ها خاور،	بایک تب دوسامته می‌میرد
از چشم‌های ما	باید که دست بداریم یاران!
باید که لوت تشنه	باید که قلب ما
میزبان خزر باشد	سرود و پرچم ما باشد.



هلند

یافت. پس از آن شرکت کنندگان از غرفه زندانیان سیاسی، نمایشگاه عکس "از رزم و رنج زنان"، "فاجعه جنگ" و "جانباختگان فدایی" و غرفه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق و... بازدید کردند. سپس گروه سرود "صبح سرخ" به اجرای برنامه پرداخت. این گروه سرود "تابان" و سرود صلح را به زبانهای هلندی، فارسی و ترکی اجرا کرد. بدنبال آن گروه سرود تابان و سپس گروه موسیقی شیلیایی، شرکت کنندگان را میهمان نغمه‌های انقلاب، دوستی و صلح کردند.

در آخرین بخش برنامه، تاریخچه کوتاهی از سازمان همراه با نمایش اسلاید، شعر و موسیقی ارائه گردید که احساس همبستگی و تحمیل حاضرین را برانگیخت.

بنیاسبت جشن شانزدهمین سالگرد ۱۹ بهمن در هلند، علاوه بر حزب توده ایران، حزب کمونیست برتغال - هلند، حزب کمونیست عراق - هلند، جبهه ملی اندونزی - هلند فومی محاذ آزادی پاکستان - هلند، جوانان کمونیست هلند (سازمان جوانان حزب کمونیست های هلند)، کمیته هلندی برای همکاری و امنیت اروپا، جنبش زنان هلند، سازمان زنان ترک در هلند، خانه زنان - آمستردام و زنان برای صلح - آمستردام نیز پیام تبریک و همبستگی ارسال نمودند.

یونان

سازمان شروع گردید. در ابتدا تاریخچه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و پس از آن پیام هواداران سازمان در یونان قرائت شد. در بخش بعدی برنامه چند ترانه سرود و در پی آن اشعاری از نیما، مرتضی کیوان، سعید سلطانپور و مانی... دکلمه شد.

جشن شانزدهمین سالگرد ۱۹ بهمن با اجرای ترانه‌های محلی و چند سرود جمعی به پایان رسید.

سالن کنفرانس حزب کمونیست هلند، در روز ۱۸ بهمن محل برگزاری جشن شانزدهمین سالگرد تولد فداییان خلق بود.

برنامه این جشن شوراکنیز راس ساعت ۷ غروب با سرود انترناسیونال آغاز شد. پس از آن رفیق ماریوس ارنستینگ معاون دبیر کن حزب کمونیست هلند پیام حزب را خطاب به سازمان ما در برابر جمع کثیری از میهمانان ایرانی و خارجی قرائت کرد. وی با تاکید بر نقش فداییان در مبارزه برای پایان دادن به جنگ ویرانگرانه ایران و عراق، آزادی فرزندان قهرمان خلق از سیاه‌چال‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی و تحقق صلح و دموکراسی، همبستگی رزمی حزب کمونیست هلند را با سازمان ما در پیکار بی‌امان علیه سیاست‌های ارتجاعی رژیم خمینی اعلام داشت.

پیام کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که بدنبال یک دقیقه سکوت به یاد فداییان شهید و دیگر شهیدان جنبش کمونیستی و کارگری ایران به فارسی و هلندی قرائت گردید، جلوه‌ای از وفاداری به آرمانهای پرشکوه کارگران و رنجبران میهن ما و عزم پولادین فداییان برای رهایی آنان را بازتاب داد.

قسمت اول برنامه این جشن با شعرهای میهنی "مانی" و در پی آن رقص زیبای گروهی از زنان ترک پایان

جشن سالگرد بنیانشاداری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آتن، روز ۱۹ بهمن در سالنی که با تصاویر بنیانشاداران مارکسیسم - لنینیسم و قهرمانان جنبش کمونیستی میهن ما تزیین شده بود، با شرکت جمعی از هم میهنان مقیم یونان برگزار شد.

مراسم جشن با خوشامدگویی به شرکت کنندگان و اعلام یک دقیقه سکوت به احترام شهیدان انقلاب و

تهران و بن:

جنگ لباس زیر

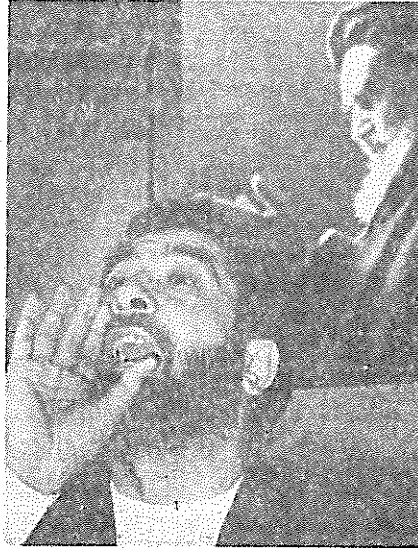
سفارت آلمان فدرال از ایران اخراج شدند.

واکنش محافل حاکم آلمان فدرال عمان بود که جمهوری اسلامی می‌خواست و انتظار داشت. سختگویی دولت بن گفت البته دولتش مسئول برنامه‌های شبکه تلویزیونی نیست، اما از اینکه احساسات مذهبی "مردم ایران" جریحه‌دار شده است، متأسف است! نتیجه آن شد که بن، "امت حزب الله" را به سلخ "مردم" ارتقا داد و چنین وانمود شد که گویا واقعا مردم ایران آزاده خاطر شده‌اند!

کیست که بتواند ادعا کند جمهوری اسلامی با "استکبار غرب" ساخت و پاخت کرده است؟ هفته پیش، رژیم فقها و آلمان فدرال درگیر یک "جنگ تمام عیار" شدند.

حاجرا از این قرار بود که جناب سفیر جمهوری اسلامی در بن، شبی از شبها که در جلوی تلویزیون لمیده بود و برنامه‌های "لهو و لعب" آلود را تماشا می‌کرد، شوی کمدری شبکه اول تلویزیون آلمان فدرال را هم دید. در این نمایش، با مونتاژ فیلمها، چنین وانمود کرده بودند که خمینی

لباسهای زیر زنانه را با دستهای خود تبرک می‌بخشد. آقای سفیر، برای آنکه نردبان ترقی رادویله یکی ببیناید، فکر بکری به مخیله‌اش خطور کرد. او صلاح دید برآشفته شود و "فالانژ بازی" به راه بیاندازد. جریبان را فوراً به تهران گزارش کرد و خودش هم به همه موسسات ایرانی تحت فرمانش در آلمان فدرال دستور داد به نشانه "اعتراض" از پذیرش ارباب رجوع خودداری کنند و یا به طرق دیگر، "خشمگین" شوند.



سالاری، سفیر جمهوری اسلامی در بن، سالار جنگ لباس زیر

فایده "جنگ لباس زیر" میان تهران و بن برای دولت دست راستی علموت کول نیز این بود که توانست به این بهانه، از رسانه‌های گروهی بخواهد "خویشمن‌داری" بیشتری نشان دهند و کنترل بیشتری بر برنامه‌های انتقادی و لفظی اعمال کنند. بنابراین، سود "جنگ لباس زیر" هم به جمهوری اسلامی رسید، هم به دولت کول و هم به جناب سفیر که حتماً از بابت این فالانژبازی، آلف و اولوفی عایدش خواهد شد. هر چند اتریشلی، سختگویی فراکمیون "حزب سبزها" در مجلس آلمان فدرال از سفیر جمهوری اسلامی خواست به جای برآشفته شدن از لباس زیر زنانه در تلویزیون آلمان فدرال، به فکر اعدامهایی که دولتشان انجام می‌دهد و جنگی که بدان ادامه می‌دهد باشد.

در تهران، "دفتر تحکیم وحدت" و نظایر آن بلافاصله دست به کار شدند تا به جهانیان نشان دهند اگر حکومت اسلامی در مسائلی جزئی مانند معاملات تسلیحاتی، سرکوب نیروهای مترقی و فعالیت علیه دولتهای شوروی و افغانستان و غیره با غرب تفاهم دارد، این به هیچ وجه بدین معنا نیست که در مسائل بسیار مهمی که به "تاموس" اسلام مربوط می‌شود، کوتاه آمده است. باز جلوی سفارت آلمان فدرال در خیابان فردوسی شلوغ شد. استیفتو گوته را بستند، البته شرکت‌های آلمانی به کار خود ادامه دادند. موسوی نخست وزیر عم از قافله عقب نماند و گفت امت اسلام از آلمان فدرال انتقام سختی خواهد گرفت. دو تن از کارکنان

اروپای غربی: بازار گرم فروش اسلحه به رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

فدرال جهت متوقف کردن این کشتی شد. مطابق قوانین آلمان فدرال، ارسال اسلحه به مناطق جنگی ممنوع است.

دولت بن تحت فشار افکار عمومی و به دنبال اعتراض اتحادیه کارگری مزبور، به کشتی گرتل دستور بازگشت داد. محموله گرتل در بندر ستوبال در نزدیکی لیسبون تخلیه شد تا کشتی دیگری آن را به مقصد ایران حمل کند.

با وجود محدودیت‌هایی که در اثر فشارهای نیروهای صلح دوست در راه صدور تسلیحات به ایران اعمال شده است، شوق شرکت‌های تسلیحاتی اروپایی برای معامله با جمهوری اسلامی حدی ندارد. زیرا سود آنها در این معاملات سرسام‌آور است. بنابراین برآورد "انستیتی بین‌المللی تحقیقات صلح در استکهلم" دولت ایران تجهیزات نظامی را ۵ الی ۶ بار گرانتر از نرخ بازار خریداری می‌کند.

به مقصد بندرعباس در سانه‌های اروپا بازتاب گسترده‌ای یافت. تحویل مهمات خمپاره به ایران، این بار برای پشت سر گذاشتن موانع قانونی، از طریق بسیار پیچیده‌ای انجام گرفت: سلاح‌ها ساخت پرتغال است، و دولت پرتغال به گفته ژنرال شیلواکه یکی از مقامات وزارت دفاع این کشور است، رسماً اجازه تحویل آن را به ایران صادر کرد. مهمات، توسط کشتی "گرتل" بارگیری شد که متعلق به یک شرکت کشتی‌رانی آلمان فدرال است و با پرچم این کشور حرکت می‌کند، اما توسط یک شرکت دانمارکی به طور درستی اجاره شده است! ظاهراً این راه پربیخ و خم را برای غیر مسکن کردن هر گونه کنترل و مزاحمت انتخاب کرده بودند.

اتحادیه کارکنان بخش حمل و نقل در آلمان فدرال بدنبال انتشار خبر بارگیری مهمات به مقصد ایران توسط کشتی گرتل در بندر ستوبال پرتغال، خواهان اقدام دولت آلمان

در راه صلح، علیه امپریالیسم و ارتجاع

گروه‌های همبسته فلسطینی و سازمان "امل" پشتیبانی کردند. دانشجویان هوادار سازمان در این پیام دشمنی کینه‌توزانه حکومت خمینی علیه انقلاب فلسطین را افشا نموده، بر دوستی برادرانه خلقهای ایران و فلسطین ارج نهادند.

* در پی تشدید جنگ شهرها که منجر به ویرانی و قتل عام وسیعتر مردم بی‌گناه ایران و عراق شد هواداران سازمان در شهرنانت فرانسه با برپایی نمایشگاه عکسی از ویرانی‌ها و اجساد کشته‌شدگان جنگ و نصب روزنامه دیواری در دانشگاه نانت، دانشجویان فرانسوی و خارجی را در جریان آخرین وقایع هولناک ناشی از ادامه وحشیگری‌های خمینی و صدام حسین قرار دادند.

این اقدام اعتراضی که به مدت یک هفته از ۲۲ تا ۲۷ دی ادامه یافت، با حمایت نیروهای مترقی مواجه شد. از جمله موضوعاتی که طی این مدت در محل نمایشگاه مورد گفت و شنود قرار گرفت، موضوع معاملات تسلیحاتی ایران با آمریکا و فرانسه بود.

بازدیدکنندگان از نمایشگاه انزجار عمیق خود را از جنگ تلبی رژیم خمینی و سیاست‌های دول امپریالیستی که آتش بیار معرکه جنگ‌اند، ابراز داشتند.

* بعد از ظهر روز جمعه ۱۷ بهمن ماه یکی از مراکز عمده شهر کلن در آلمان فدرال صحنه راهپیمایی نیروهای صلح دوست و مترقی این شهر علیه آزمایشات اتمی اخیر آمریکا در صحرائ نواد بود.

فداییان خلق و توده‌ای‌ها با شرکت فعال در این راهپیمایی بر مبارزه همه نیروهای ضد امپریالیست و مترقی جهان علیه جنون تسلیحاتی امپریالیسم و نیز ادامه جنگ هفت ساله ایران و عراق تأکید کردند.

راهپیمایان با پخش هزاران نسخه اعلامیه و تراکت در مسیر تظاهرات، مردم را به اعتراض علیه مفهده‌جری‌های جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا فراخواندند، سپس در مقابل کنسولگری آمریکا تجمع نموده، به قرائت قلم‌نامه‌ای مبنی بر ضرورت قطع آزمایشات اتمی از جانب دولت آمریکا پرداختند.

* به مناسبت بیدت و دومین سالگرد انقلاب مردم فلسطین از سوی دانشجویان مترقی فلسطینی در شهر کلن مراسمی برگزار شد.

دانشجویان هوادار سازمان در کلن با حضور در این مراسم و تقدیم پیامی در همبستگی با مبارزات مردم فلسطین از خواست نیروهای پیشرو و انقلابی فلسطینی برای قطع جنگ بین

سندی در افشای جعلیات رژیم

مونتاز سپاه محمد

از دروغ پردازیها و فریبکاریهای فقها بر سر منابر بسیار دیده و شنیده ایم. اینک که فقهای مزور حکومت را قیضه کرده اند، از همه آن وقاحتی که برای دروغ پردازی در منابر و مساجد به خرج می دادند برای راه اندازی دیگر ابزارهای تبلیغاتی بهره می گیرند. فقها اکنون نه فقط منبر و تریبون مساجد، که همه رسانه های همگانی را بطور انحصاری در اختیار دارند. و طبعاً این رسانه ها در دست فقها به ابزارهایی بدل شده اند که به گونه ای بی مثال و به وقیحانه ترین شکلی دروغ می پراکنند و واقعیات را جعل و تحریف می کنند.

در افشای دروغ پردازیهای رژیم فقها نیز تاکنون بسیار گفته شده است. یک نمونه مستند و مستدل آن اخیراً توسط "نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج کشور" (شماره ۸) ارائه شده است. این نشریه با انتشار نامه افشاگرانه یکی از خوانندگان نشان داده است که رژیم درمانده خمینی برای استتار درماندگی خویش به چه شتردهای مزورانه ای متوسل می شود.

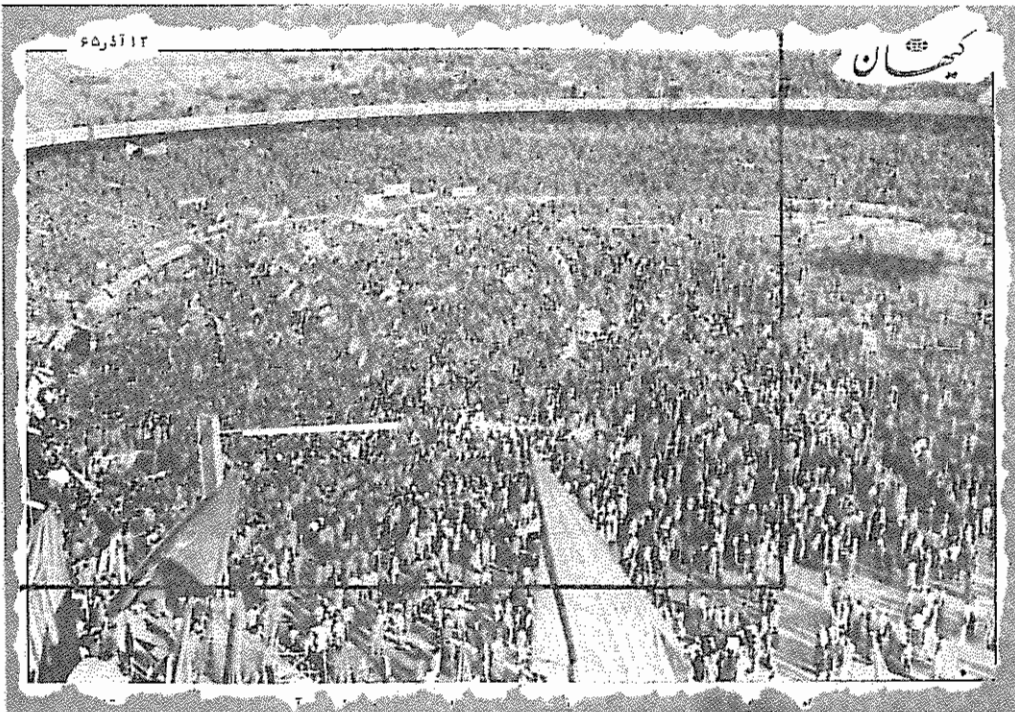
در افشاکاری مزبور به مانورهای تبلیغاتی رژیم حول قضیه اعزام سپاه محمد پرداخته شده است. همانگونه که خوانندگان "اکثریت" مطلع هستند در آذرماه رژیم ولایت فقیه با برپایی یک موج تبلیغاتی کوشید و انمود کند که جنگ از حمایت مردمی برخوردار

است! جنجالهایی که بر سر اعزام سپاه محمد برپا کردند، بخشی از این تبلیغات بود. فقهای مزور تعداد افرادی را که با اجبار و فریب جمع آوری کرده بودند، چندین بار بیشتر از رقم واقعی اعلام داشته اند و روزنامه های دولتی هم برای جا انداختن این دروغ، با استفاده از

فوت و فن عکاسی، از اجتماع نفرات اعزامی، در ورزشگاه آزادی عکسی هم تهیه کرده و به چاپ رسانده اند. (عکس همین صفحه، برگرفته از کیهان - ۱۲ آذر) اما با مختصری دقت در این عکس، آشکار می شود که این عده تنها در گوشه کوچکی از زمین ورزشگاه جا گرفته اند و حتی در همین محدوده نیز بخشی از میدان و ردیف دوم جایگاه تماشاگران خالی است.

اما نشریه کیهان هوایی (که برای خارج کشور منتشر می شود) عکسی را به چاپ رسانده است که جمعیت بیشتری را در ورزشگاه آزادی نشان می دهد. (عکس زیر صفحه) رمز این

عکس با دقت نظر خواننده "نشریه اتحادیه ..." کشوده شده و روشن گردیده است که گردانندگان کیهان هوایی در بازتاب خبر اعزام سپاه محمد بهره بیشتری از فوت و فن عکاسی و مونتاز فیلم گرفته اند. بدین ترتیب که در عکس منتشره در روزنامه کیهان، آن بخشی را که جمعیت در آن متراکم به نظر می رسد، جدا ساخته و فیلم این قسمت را ۱۸۰ درجه برگردانده و در کنار فیلم اصلی همین قسمت مونتاز کرده اند. با این شگرد عکسی در کیهان هوایی به چاپ رسیده است که جمعیت را لافاقل دو برابر و کاملاً متراکم نشان می دهد.





پروفسور آناتولی بوتنکو

نوسازی و مبارزه اجتماعی در جامعه

نوشته پیر و فسور آناتولی بوتنکو

چون یکی از وجوه مشخص کننده جامعه امروز شوروی، اوج گیری مبارزه نو علیه کهنه، مبارزه نیروهای پیشرفت و نوسازی علیه نیروهای محافظه کار و بوروکرات است. مبارزه نو علیه کهنه، قانون حاکم بر تکامل جامعه سوسیالیستی است، اما در مراحل گوناگون تکامل و در شرایط مشخص متفاوت، این مبارزه گاه اشکال حادث و گاه اشکال کمتر حادث به خود می گیرد.

چهار بهر خورد

چرا این تضاد زندگی اجتماعی که همواره و مداوم مطرح می شود و قابل حل است، عم اکنون چنین خصلت حادی به خود گرفته است؟

علت این امر، این واقعیت است که از هنگام برگزاری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش. س.)، این کشور روند بازسازی همه جنبه های زندگی به عنوان شرط اجتناب ناپذیر شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور را می گذراند. اسناد کنگره همه را به حرکت در آورد و مصوبات آن تکان شدید و پیویایی به جامعه داد. فضای ارتقای سطح انتظارات و سخت گیری، صراحت و حقیقت، که بر کنگره حاکم بود، آگاهی سیاسی توده ها را تبلور بخشید و آنها را به حرکت آورد، چرا که به گفته لنین، "... تنها نیروی موثری که قادر به ایجاد تحول است، انرژی انقلابی توده ها است."

زحمتکشان با تاکید هر چه بیشتر خواهان آنند که نوسازی در همه جا به اجرا درآید و به خود خصلت امری عادی و همیشگی بگیرد.

اما اشتباه خواهد بود هرگاه تصور شود که همه کس در جامعه شوروی به همین گونه می اندیشد و عمل می کند، یعنی همخوان با روح حاکم بر مصوبات کنگره. اگر چنین می بود، امر نوسازی تا به حال می بایست پایان می پذیرفت و تنها کاری که باقی می ماند، استفاده از ثمرات آن می بود. اما چنین نیست. همانگونه که در پلنوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. س. در ژوئن ۱۹۸۶ خاطر نشان گردید، "تجدید سازماندهی هنوز به اندازه کافی سریع نیست. گذار به بهبود کیفیت، بازدهی و شیوه های جدید مدیریت، دشوار و دردناک است."

همانگونه که در همان پلنوم تاکید گردید، سه نیروی اجتماعی وجود دارند که برخورد متفاوتی با مصوبات کنگره دارند و به گونه ای دیگر عمل می کنند. آنهایی که امروز عملکردشان درست است، کسانی هستند که با تاکید از موضع کنگره ۲۷ پشتیبانی

کردند، با شور در حرکت مشترک شرکت جستند، و هم اکنون نیز بدون فرو گذاشتن وقت و نیرو، خود را به گونه ای موثر با روند بازسازی وفق می دهند. اما افراد بسیاری نیز وجود دارند که در حالیکه ضرورت سیاسی کار به روش جدید را دریافته اند، نمی دانند در عمل این امر را چگونه باید به اجرا آورند. باید به هر طریق ممکن به آنها کمک کرد. و بالاخره، کسانی هستند که هنوز جوهر تحولات کنونی را دریافته اند، موضع صبر و انتظار به خود گرفته اند و به موفقیت دگرگونی اقتصادی و سیاسی طرح ریزی شده از سوی حزب باورند آرند. میخائیل گارباچف در سخنان خود خطاب به فعالین حزبی منطقه کراسنودار از یک گروه چهارم نیز نام برد. وی گفت: "زمان نشان داده است که هستند کسانی که دقیقاً درک می کنند نوسازی به چه معناست. اما چون دریافته اند که نتایج آن چه خواهد بود، این افراد آن را نمی پذیرند. یا به عبارتی، نوسازی به مذاقشان سازگار نیست."

موضع این گونه افراد را چگونه می توان توضیح داد و آیا این موضع تصادفی است؟ در سخنرانی ذکر شده در بالا گفته شد: "همین افرادند که مایلند بیش از آنچه به جامعه می دهند، از جامعه بگیرند. ما سالها درباره این گونه افراد سخن گفته ایم، اما تازه امروز تصمیم گرفته ایم که به شیوه صحیح آنها را به پاسخگویی بطلبیم. از این گونه افراد، در میان کارگران و دهقانان، در میان ماموران عالیترتبه و کارکنان دستگاه دولتی وجود دارند. در میان روشنفکران ما نیز چنین افرادی یافته می شوند."

منطقی است که مبارزه ادامه داشته باشد، و باید ادامه یابد؛ مبارزه ای میان آنهایی که فعلاً در راه تحقق مصوبات کنگره می کوشند و جایگاه شایسته ای در روند نوسازی احراز کرده اند، و آنهایی که در برابر آن به این یا آن گونه مقاومت می کنند، به موفقیت آن باورند آرند، یا نوسازی "به مذاقشان خوش نمی آید" و فعلاً "آن را رد می کنند". این مبارزه به همین گونه که هست همواره نمی ماند، بلکه هر چه نوسازی پیش رود، نبرد حادث می شود. چرا؟

افراد و منافع

حادث ویژه مبارزه امروزین قبل از هر چیز و مهمتر از همه به علت گستردگی نوسازی است. اقتضای هر چه بیشتر و متعددتری از زحمتکشان در عرصه های هر چه بیشتری به این روند می پیوندند. رویارویی میان نیروهای اجتماعی پیشرو و محافظه کار در میدانی که پیوسته گسترده تر می شود، درمی گیرد.

این روند همچنان تشدید خواهد شد، زیرا شمار

هر چه بیشتری از مردم درمی یابند که دیگر نمی توان به شیوه کهنه زیست، کار کرد و اندیشید.

حادث ویژه مبارزه کنونی نو علیه کهنه همچنین با عبق تحولات جاری قابل توضیح است. این مبارزه از هم اکنون بسیاری از مردم را دربر گرفته است، و اگر امروز بر زندگی کسانی تأثیر نگذاشته و یا تأثیر کمی گذاشته، فردا این تأثیر را بگونه ای بسیار اساسی خواهد گذاشت.

و بالاخره، میزان بالای تکرانی نیروهای درگیر مبارزه که از مواضع و منافع خود دفاع می کنند، بر حادث این مبارزه افزوده است. برای داشتن تصویر روشن تری از این امر کلیدی و درک بهتر موقعیتی که طرف چند دهه گذشته در اتحاد شوروی شکل گرفته است، در نظر گرفتن آنچه در زیر می آید، ضروری است:

این یک حکم بنیادین مارکسیسم است که در زندگی اجتماعی هیچ چیز انجام و پایان نمی پذیرد مگر اینکه بر پایه منافع انسانی، عینی باشد. هر آنچه در زندگی جامعه وجود دارد - چه خوب و چه بد، صرف نظر از آنکه مربوط به شعارها، فراخوانها و یا خود اعمال باشد، توسط انسانهای واقعا موجود و تنها توسط آنها تحقق می یابد، نه از سوی موجودات آسمانی. لنین نوشت: "مردم همواره قربانیان مغیوب فریب و خود فریبی در سیاست بوده اند، و این وضع ادامه خواهد داشت تا وقتی مردم بیاموزند که در پشت همه عبارت پردازیها، بیانیها و مواعید اخلاقی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی منافع این یا آن طبقه را جستجو کنند."

معمولاً این حکم بدیهی ماتریالیسم و مارکسیسم را در مورد آینده به کار می گیرند و می گویند اگر بخواهیم کاری انجام دهیم، به نتیجه ای دست یابیم و اندیشه ای را تحقق بخشیم، باید اندیشه باید با منافع انسانها پیوند یابد، باید منافع آنها را در این اندیشه جاری ساخت و هر آنچه ممکن است انجام داد تا این اندیشه توده ها را دربرگیرد. اگر چنین باشد - و غیر ممکن است که بتوان منکر آن شد - در این صورت منطقی است که هر چه در زندگی انجام شده و یا در واقعیات مشخص زندگی تبلور یافته باشد، در خدمت منافع کس یا کسانی و به سود کس یا کسانی بوده است. یک کام دیگر برداریم: این حکم بدیهی معناست که نه تنها هر چه که خوب است، بلکه همچنین هر آنچه که در زندگی ما بد است نیز بر اساس منافع کسانی ظهور کرده است. بنابراین این، نه تنها ریخت و

پاش و فساد، بلکه تشریفات زائد و فرمالیسم، لایوشانی و تعلق‌گویی نیز نه شده‌های بی‌ریشه و تصادفی ارگانیک اجتماعی که از آسان فرو افتاده‌اند، که محمول فعالیت انسانهای واقعی، نتیجه عملکرد منافع افراد و به سود افرادند، حتی اکثر این منافع تنها در انجام ندادن کار و به بطالت گذراندن وقت و یاد برگیرنده راحتی انجام دادن کار صرفاً مطابق دستور از بالا و اجتناب از فکر کردن مستقل و عهده‌دار شدن مسئولیت در تصمیم‌گیری باشد.

کمتر کسی است که نتواند دریابد ظرف دودمه اخیر تحول جامعه شوروی، پدیده رکود ریشه دوانده و مواضع نیروهای ضد اجتماعی بر اثر کوتاهی در انجام کارهای لازم تقویت شده است. در کنگره گفته شد: "باید امروز اذعان کنیم که بر اثر سهل‌انگاری در کنترل و به دلایل متعدد دیگر، گروههایی از افراد دارای روحیه سودجویانه و برخوردار غیر مسئولانه به منافع جامعه شده‌اند. حاملین این روحیات سودجویانه، "خرده مالکان" و خرده‌بورژواهای سابق و غیره نیستند، این روحیات را می‌توان در افراد وابسته به گروهها و طبقات اجتماعی متفاوت یافت. ایجاد و پرورش این روحیات نه بر اثر یک فضای خرده‌بورژوازی، بلکه در محیطی صورت گرفته است که در آن اتحاد مأموران به لحاظ اخلاقی فاسد و سودجویان، اتحادی که بر فساد استوار است، اصول اخلاقی ویژه خود و معیارهای خاص خود را در رفتار و ارزیابی از حیثیت افراد بطور فزاینده‌ای به کرسی نشانداده است. این افراد پس از آنکه ارزشهای سوسیالیستی و سنت‌گیری اجتماعی در شخصیت نوین جامعه سوسیالیستی را از دست دادند، با روحیات مشخص و برجسته سودجویانه، روشهای بسیاری برای ارضای تمایلات خود و رسیدن به امدافشان که شدیداً مغایر با سوسیالیسم است، یافته‌اند. آنها که بر اساس تجربه کلاشته گمان می‌کردند از مجازات مصون خواهند ماند، تصور کردند که تجسم آن شیوه‌ای از زندگی هستند که در شرف نهادهی شدن و جا افتادن است.

نوسازی به مذاق این گروه از افراد خوش نیامده است. تعجب آور نیست، آنها که آموخته‌اند از طریق گزارشهای جعلی، اسراف، کاری نکردن و تظاهر به مشغول بودن، "اوقات استراحت برای سیکار کشیدن"، برگزاری جلسات به جای کار کردن، و یا بسیار ساده، از طریق دزدی و سودجویی مستقیم دولت را سرکبسه کنند، دقیقاً می‌دانند نتایج نوسازی چه خواهد بود. اگر نوسازی پیکیرانه تحقق یابد، این افراد مجبور می‌شوند واقعا و به سختی کار کنند تا درآمد خود را از طریق شرافتمندانه به دست آورند. آنها بدین کار عادت نکرده‌اند و نمی‌خواهند عادت کنند.

لبه تیز می‌ترسیم شده در کنگره ۲۷ ج. ک. ا. ش. علیه این‌گونه "زالو"ها است که اعتبار "کارگران شریف" را از دست دادند. هدف این شی، ریشه‌کن کردن آن پدیده‌های منفی است که این افراد از آن برای سودجویی استفاده کرده‌اند. شی کنگره به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر مقاومت شدید این گروهها

و نیروهای ضد اجتماعی را برمی‌انگیزد. آنها می‌گویند آنچه را بطور غیرقانونی بدست آورده یا دزدیده‌اند و نیز مواضع و امکانات خود را حفظ کنند.

اینها دلایل اصلی مبارزه رشدیابنده نوعیه کهنه در جامعه شوروی است. میخائیل کارباجف طی سخنان خود در کنگره اس روسای دانشکده‌های علوم اجتماعی مدارس عالی گفت: "مبارزه‌ای حاد (و آشتی‌ناپذیر) - اما نه موارعه‌علنی، میان اندیشه‌ها، سنت‌گیریهای روانی و نحوه‌های مختلف تفکر و رفتار در جریان نوسازی زندگی ما و بازسازی آن، در گرفته است. روش کهنه، بدون نبرد تسلیم نخواهد شد." مبارزه کنونی چه چیز را دربر می‌گیرد و چشم اندازهای آن کدام است؟

چرپان پرتلاطم زندگی

مبارزه، نه یک جمع ساده برخوردارهای فردی شخصیت‌های ستیزه‌جو، نه برخوردار شخمت‌ها و روحیات متفاوت و نه رویارویی نسلها، بلکه مبارزه‌ای اجتماعی است که از ریشه‌های اجتماعی استوار خود برخوردار است. مبارزه اجتماعی در سوسیالیسم پیروزمند؟ آیا چنین چیزی ممکن است؟ آیا این به معنای گسترش مبارزه طبقاتی به جامعه سوسیالیستی نیست؟

به هیچ عنوان! چنین امری بی‌پایه است و تنها می‌تواند از جانب کسانی باشد که یا بر اثر ناآگاهی و یا در نتیجه اشتباه، به نادرستی "اجتماعی" را با "طبقاتی" یکسان می‌گیرند. هیچ‌کس سخن از ادامه مبارزه طبقه‌ای علیه طبقه دیگر، یعنی مبارزه طبقاتی در جامعه‌ای که دیگر فاقد تضادهای آشتی‌ناپذیر اجتماعی - طبقاتی است، به میان نمی‌آورد. طبقه اجتماعی مورد نظر، به هیچ وجه در ارتباط با تضادهای آشتی‌ناپذیر اجتماعی - طبقاتی و یا حتی مرزبندیهای طبقاتی نیست، بلکه به موقعیت‌های اجتماعی و آندسته از اعمال انسانها مربوط است که مفهوم اجتماعی دارند. مدافعان و مخالفان آن در هر گروه اجتماعی بزرگ و در هر طبقه اجتماعی یافته می‌شوند. اما این امر از حدت رویارویی اجتماعی نمی‌کاهد.

ای. پ. کالین، صدر شورای وزیران جمهوری شوروی سوسیالیستی مولداوی در سخنان خود در چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست مولداوی در ۲۲ اکتبر ۱۹۸۶ گفت: "مبارزه‌ای در جریان است، نبردی سخت علیه دشمنان سوگند خورده طبقه کارگر: سودجویان، دزدان، باندبازان و ظالم‌سازان. تاثیر آنها تفاوت چندانی با کولاکها و "مردان نیب" که انگلوار از جمهوری جوان شوروی سودی می‌بردند ندارد. مانع اصلی در این مبارزه هنوز بر طرف نشده است. همان‌گونه که در فتنه‌نامه کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش. تاکید شده است، ایجاد جنبه واحد پرورش علیه همه این پدیده‌های خطرناک اجتماعی برای ناپدید کردن اساس و بنیاد ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها و اکتفا نکردن به مقابله با پدیده‌های فردی شوروی است. "ناطق در توضیح ماهیت رفتار نیروهای ضد سوسیالیستی،

افزود: "در موقعیت کنونی انگل‌ها در جستجوی منافع خودخواهانه خود خطری جدی به شمار می‌روند و می‌توانند لطمه‌ای جدی به جامعه ما وارد آورند. آنها نه داوطلبانه از مواضع خود عقب می‌نشینند و نه خود را خلع سلاح می‌کنند. آنها اعمال کثیف خود را بدون از چشم افکار عمومی انجام می‌دهند و بی‌سرودا از بشر دوستی قوانین و اخلاقیات ما سو استفاده می‌کنند. در شرایط معینی آنها موضع حمله به خود می‌گیرند، گروههای تبهکار بوجود می‌آورند، و هنگامی که احساس کنند افشاکری و مجازات محتمل است، از هیچ تشبیتی برای فرار از آن فروگذار نمی‌کنند و دست به تلمیح، ارتشاء، پرونده‌سازی و حتی تهاجم فیزیکی می‌زنند. از این رودشمنان ما واقعی و نه ساختگی هستند."

برای آنهایی که عادت کرده‌اند بر اساس دسم‌های دیرین و تغییر نکرده بیان‌دیشد، چنین رویارویی اجتماعی در اساس در یک جامعه سوسیالیستی غیر ممکن است. اما مارکسیسم - لنینیسم هرگز حکم نداده است که آنتاگونیسم اجتماعی - طبقاتی تنها سرچشمه برخوردار منافع اجتماعی است. مارکسیسم - لنینیسم هرگز حکم نداده است که حذف منافع متضاد طبقات اجتماعی هرگونه برخوردار به لحاظ اجتماعی عمده منافع را از بین می‌برد. مارکسیسم - لنینیسم هرگز این امر را منکر نشده است که در یک جامعه فاقد طبقات استثمارگری که باید علیه آنها مبارزه کرد، تحقق اندیشه‌های نوین اجتماعی - سوسیالیسم و کمونیسم - همچنان موضوع مبارزه‌ای اجتماعی است.

زندگی امروز جامعه شوروی، یادآور نیرومند این حقایق تزلزل‌ناپذیر است که برخی آنها را فراموش کرده‌اند.

با در نظر گرفتن این امر که نوسازی همه جوانب جامعه شوروی نتیجه مبارزه اجتماعی است - مبارزه‌ای که بسیار حاد و پیچیده است - نادرست است اگر تصور شود نوسازی، روندی مستقیم، بدون دشواریها و عقب‌گردها باشد. یگور لیگاتچف در مراسمی که سال گذشته به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر برگزار شد، گفت: "ما نه دشواریهای عینی را پنهان می‌کنیم و نه دشواریهای ذهنی را. مبارزه‌ای در جریان است، مبارزه‌ای میان نیروهای نوسازی علیه آنهایی که مایلند نوسازی را مانع گردند و ما را به باتلاق رکود اقتصادی و بی‌تفاوتی اجتماعی بکشانند. هیچ‌گونه آشتی با آنچه کهنه شده وجود نخواهد داشت، زیرا آینده سوسیالیسم و سرنوشت کشور ما است که مطرح است. "ج. ک. ا. ش. با آگاهی کامل از مسئولیت درقبال ابتکاری که در پیش گرفته است، می‌کوشد زحمتکشان را برای شرکت در مبارزه آشتی‌ناپذیر اجتماعی برای تحقق اهداف کنگره ۲۷ بسیج کند"

(*) اصطلاح "مردان نیب" به بورژوازی نوینی اطلاق می‌شود که پس از اجرای "سیاست اقتصادی نوین" توسط حکومت شوروی و تشریح کسب و کار خصوصی، از این سیاست سود برد و فرجه گشت م.

کمونیسم، دشمن آشتی‌ناپذیر بهره‌کشی، ستم، تبعیض و نویدبخش صلح، آزادی و بهروزی برای بشریت است



عده‌ای از آنها به رژیم جنایتکار خمینی صورت گرفت. شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی در مقابل کنسولگری ترکیه در این شهر، تظاهرات ایستاده‌ای برپا کردند. در طی این تظاهرات، از نیروهای مترقی آلمانی، خارجی و ایرانی دعوت شد که بمنظور اعتراض علیه اعمال ضد انسانی دولت ترکیه از خواسته‌های تظاهر کنندگان پشتیبانی بعمل آورند. سازمان عفو بین المللی شهر هانوفر در برپائی این تظاهرات با ایرانیان همکاری داشت.

فروش سلاح به ایران و عراق شدند. راهپیمایان در پایان با صدور قلمنامه‌ای مبنی بر قطع فوری جنگ ایران و عراق، قطع ارسال اسلحه به دو کشور درگیر در جنگ و محکوم نمودن نقض حقوق بشر در ایران و عراق به تظاهرات خود در مرکز شهر هانوفر پایان دادند.

*در شهر هانوفر در روز ۲۰ ژانویه حرکت اعتراضی دیگری نیز در اعتراض به رفتار فاشیستی دولت ترکیه علیه پناهندگان ایرانی و تحویل

فوز از میهن

اعتصاب غذا و تظاهرات ایرانیان در شهروانوفر آلمان فدرال

اعتصاب غذای ایرانیان در شهر هانوفر بعد از سه روز با صدور قطعنامه و ابراز قدردانی از کلیه شرکت کنندگان و حمایت کنندگان اعتصاب با موفقیت پایان یافت. خبر این اعتصاب در نشریات محلی هانوفر انعکاس یافت.

در روزهای ۲۰ و ۲۱ ژانویه گروهی از ایرانیان مقیم شهر هانوفر دست به یک راهپیمایی اعتراضی بر علیه جنگ خونین و ویرانگر ایران و عراق زدند. راهپیمایی با فراخوان قبلی در تاریخ ۱۱ بهمن ماه انجام گرفت. در این راهپیمایی بیش از ۲۵۰ نفر از ایرانیان و کردهای عراقی و جوانان صلح دوست آلمانی و خارجی شرکت داشتند. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردهایی به زبانهای فارسی و آلمانی و پخش اعلامیه بر علیه جنگ توجه و حمایت شهروندان آلمانی را جلب نمودند. در مسیر راهپیمایی، تظاهر کنندگان در اعتراض به معاملات ننگین رینگان - خمینی و صدور اسلحه آمریکایی به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، در مقابل "خانه آمریکا"، تجمع کرده، با شعار مرگ بر آمریکا، خواستار قطع فوری

*در اعتراض به ادامه جنگ وحشیانه ایران و عراق، به ابتکار "انجمن صلح و همبستگی ایرانیان دموکرات" در شهر هانوفر آلمان غربی اعتصاب غذای سه روزه‌ای سازمان داده شد. این اعتصاب در روز ۲۰ ژانویه آغاز و تا روز دوم فوریه ادامه یافت.

خواسته‌های اعتصاب کنندگان عبارت بود از:
۱- قطع فوری بمباران شهرها و پایان دادن به کشتار مردم بی دفاع
۲- قطع ارسال اسلحه به دو کشور ایران و عراق
۳- قطع فوری جنگ و آغاز مذاکرات مسالمت آمیز از جانب دو کشور درگیر در جنگ خونین.

در طی سه روز اعتصاب غذا، نمایندگان احزاب و سازمانها و خبرنگاران روزنامه‌ها و خبرگزاریها با مراجعه به محل اعتصاب غذا، با پیامهای کتبی پشتیبانی خود را از خواسته‌های برحق اعتصاب کنندگان ابراز نمودند. در این اعتصاب، "انجمن صلح و همبستگی ایرانیان دموکرات" از جانب بیشتر از ۲۰ حزب، سازمان و شخصیت‌های صلح دوست پیام همبستگی دریافت نمود.

یورش پلیس آلمان فدرال به پناهندگان متحصن ایرانی در بوخوم

شماره متوالی ضمن اعلام خبر تحسن پناهندگان ایرانی، گزارشی از مسایل و مشکلات پناهندگان همراه با تصاویری از محل زندگی آنان منتشر ساخت. تلویزیون منطقه، گوشه‌هایی از جریان تحسن را نمایش داد.

مسئولین اداره مرکزی امور اجتماعی، با وجود انعکاس گسترده خیر تحسن پناهندگان ایرانی، حاضر به قبول خواسته‌های آنان نشدند. مسئولین سعی کردند که بابت توجیهی به متحصنین، حرکت آنان را کم اهمیت جلوه داده و آنان را از پیگیری، مایوس سازند. ولی وقتی دیدند این حربه موثر نیست برای پراکندن متحصنین به پلیس متوسل شدند. پلیس به محل تجمع یورش برده و به زور، آنان را از ساختمان بیرون کرد.

مراجعه کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود، بویژه لغو اقامت اجباری در خوابگاه ویژه شده‌اند. بی‌توجهی مسئولین اداره مرکزی امور اجتماعی به مراجعات مکرر آنان، موجب گردید که پناهندگان به منظور تحقق خواسته‌های خود روز دهم فوریه در محل ساختمان اداره اقدام به تحسن کنند.

این حرکت اعتراضی با مشارکت و همیاری فعال همه پناهندگان پی ریخته شد. شرکت همه جانبه پناهندگان و توجه آنان به جلب حمایت نیروهای مترقی محلی به انعکاس هر چه وسیع‌تر خبر تحسن در میان مردم یاری رساند.

یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی، علیرغم تحریف برخی حقایق، طی دو

به هر گروه یک اتاق تاریک و محقر به اندازه ۱۵-۲۰ متر مربع داده‌اند. در این اتاق‌ها برای هر نفر فضایی کمتر از ۵ متر مربع در نظر گرفته شده است. علاوه بر محدودیت فضای زندگی، ساکنین خوابگاه هر روز با مشکلات و اجدافات گسترش یافته‌ای از طرف مسئولین اداره مرکزی امور اجتماعی مواجه هستند. نبود مراقبت‌های اولیه بهداشتی، محیط آلوده خوابگاه که زمینه ابتلا به انواع بیماریها در آنجا فراهم است، مقررات شدید رفت و آمد، ممنوعیت خروج از شهر، کاهش کیفیت و کمیت مواد غذایی و... از جمله تضییقاتی است که همچنان بر شدت آن افزوده می‌شود.

پناهندگان، تاکنون بارها در اعتراض به این وضع، به مسئولین

روز ۲۱ بهمن (دوم فوریه) پناهندگان ایرانی، در محل ساختمان اداره مرکزی امور اجتماعی شهر بوخوم دست به تحسن زدند. متحصنین خواستار لغو قانون اقامت اجباری، در خوابگاه‌های ویژه، و برخورداری از حقوق انسانی و عمل اعتراضی از حمایت فعال نیروهای مترقی محلی برخوردار بود.

در بوخوم، مقامات محلی، جمعی از ایرانیان را همراه با پناهندگانی از سایر ملیت‌ها، در یک خوابگاه "ویژه" که در واقع حکم قرنطینه دارد، بدون حداقل امکانات زیستی اسکان داده‌اند. مجموعه این پناهندگان، حدود ۲۰۰ نفر هستند. مسئولین خوابگاه به دستور اداره مرکزی امور اجتماعی، پناهندگان را به دسته‌های ۲ و ۵ نفری تقسیم کرده و

گردهمایی صلح در مسکو

از روز شنبه چهاردم تا دوشنبه شانزدهم فوریه، مسکو شاهد برگزاری یک گردهمایی بین المللی تحت عنوان "برای جهانی عاری از سلاحهای هسته‌ای، در راه بقای بشریت" بود. در این گردهمایی نزدیک به ۹۰۰ دانشمند، سیاستمدار و شخصیت اجتماعی و فرهنگی از بیش از ۸۰ کشور جهان شرکت جستند. گردهمایی مزبور از حیث گستردگی نیروهای شرکت کننده در آن بیسابقه بود. "مجمع صلح" به دعوت دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان شوروی برگزار شد.

شرکت کنندگان در این اجلاس در هفت کمیته درباره کاهش سلاحهای هسته‌ای بحثابه گام اول درجهت نابودی آنها، خلع سلاح هسته‌ای بطور اعم، امنیت اروپا، برنامه "ابتکار دفاعی استراتژیک" آمریکا، حفظ قرارداد منع سیستم‌های ضد موشکی (ای.بی.ام) و ممنوعیت همه آزمایشهای هسته‌ای به بحث و تبادل نظر پرداختند. برخی نویسندگان و هنرمندان مشهور غربی

که در گردهمایی صلح مسکو شرکت جستند عبارت بودند از: گراهام گرین، نورمن میلر، ایزابل آلفند، ماکس فریش، گرگوری پک، پل نیومن، کلودیا کاردیناله و سامی دیویس. آندره ساخاروف عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی نیز از جمله شرکت کنندگان در مجمع صلح بود و به ایراد سخنرانی پرداخت.

میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی نطق خود در اجلاس مسکو در روز دوشنبه بار دیگر بر ضرورت یک تفکر سیاسی نوین در عرصه مناسبات بین المللی با توجه به خطری که بشریت را تهدید می‌کند، تأکید ورزید. حاضرین نطق یک ساعته گارباچف را بارها با کف زدنهای ممتد خود قطع کردند.

برگزاری گردهمایی مسکو و سخنان گارباچف در سراسر جهان و از جمله کشورهای امپریالیستی بازتاب بسیار گسترده‌ای یافت و به سمت چند روز درصد گزارشهای رسانه‌های ترومی قرار داشت.

تناقض گویی ریگان در ماجرای

"ایران گیت"

به گزارش روزنامه لس آنجلس تایمز، ریگان رئیس جمهور آمریکا در اظهارات خود در برابر اعضای کمیسیون تحقیق پیرامون ماجرای فروش اسلحه به رژیم خمینی دچار تناقض گویی شده است. روزنامه مزبور در روز پنجشنبه گزارش داد ریگان در نخستین دیدار خود با اعضای کمیسیون گفت خود او در ماه اوت ۱۹۸۵ اجازه تحویل اسلحه از طریق اسرائیل به ایران را صادر کرده بود. سه هفته بعد، ریگان به تقاضای خود بار دیگر با اعضای کمیسیون ملاقات کرد و گفت پس از بررسی موضوع با دونالد ریگان رئیس دفتر خود به این نتیجه رسیده است که اشتباه کرده و اکنون به یاد آورده است که سردار اول تحویل سلاح به رژیم خمینی بدون اجازه او انجام گرفته است. لس آنجلس تایمز همچنین می‌نویسد میان اظهارات ریگان و مک‌فارلین نیز در این مورد تناقض وجود دارد.

و این برگر وزیر دفاع آمریکا در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا اظهار داشت که هم ایران و هم عراق از سوی سازمانهای اطلاعاتی ایالات متحده اطلاعات نظامی دریافت داشته اند.

بدنبال برکناری ویلیام کیسی رئیس سبای ریگان رابرت گیتس را به سمت نامزد احراز مقام ریاست سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا منصوب نمود. نمایندگان کنگره برای تصویب این انتصاب، از گیتس در مورد میزان دخالت وی در ماجرای ایران گیت بازجویی به عمل آوردند.

اخبار کوتاه

● در یونان اعتصاب کارکنان بخشهای مختلف اقتصاد این کشور علیه سیاستهای ضد کارگری دولت پاپاندرو اذله دارد. هم اکنون کارمندان بانکها، رانندگان تاکسی، کارکنان پمپ بنزینها و واحدهای خدمات عمومی در اعتصاب به سر می‌برند.

● یوگنی چاسوف یکی از دو رئیس "اتحادیه بین المللی پزشکان برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای"، برنده جایزه صلح نوبل و جایزه صلح لنین، به سمت وزیر بهداشتی اتحاد شوروی منصوب گردید.

● "جمعیت دفاع از خلقهای مورد تهدید" در آلمان فدرال اعلام کرد که در ماه ژانویه سال جاری ۷۰ تا ۱۵۰ نوجوان کرد عراقی که نام بخشی از آنها به دست این جمعیت رسیده است، توسط رژیم صدام حسین اعدام شده اند. جنازه اعدام شدگان که چشمان همه آنها را پیش از اعدام بیرون آورده بودند تنها پس از برداخت میلیفی توسط خانواده‌هایشان به آنها تحویل داده شد.

● در انتخابات پارلمانی جمهوری ایرلند ائتلافی که تا کنون حاکم بود اکثریت خود را از دست داد. دولت آینده ایرلند را چارلز هاوئی رهبر حزب "فیانا فیل" تشکیل خواهد داد. هم این حزب و هم حزب "فاین گیل" به رهبری فیتس جرالد نخست وزیر پیشین احزاب محافظه کار محسوب می‌شوند.

شکست امل در نبردهای بیروت



زنان فلسطینی در تظاهرات علیه محاصره غذایی بستگانشان در

اردوگاه برج البراجنه توسط امل

۸۰ تن کشته و ۲۱۵ تن زخمی شدند. در این نبردها از سلاحهای سنگین، از جمله تانک استفاده شد.

در روز پنجشنبه ارتش سوریه واحدهای پیاده و تانک در کوههای شرق بیروت متمرکز کرد تا در صورت لزوم با استفاده از نیروی نظامی به زد و خورد با پایان دهد. تا روز شنبه علیرغم آتش بسی که در جریان دیدار نییبری، ولید جنبلاط و ژنرال حوای رهبران امل، حزب سوسیالیست ترقیخواه و حزب کمونیست لبنان و عبد الحلیم خدام معاون رئیس جمهوری سوریه منعقد شد، طرفین هنوز به کلرله باران مواضع یکدیگر ادامه می‌دادند.

در هفته گذشته نبردهای بیروت که با درگیری شبه نظامیان امل و چریکهای فلسطینی آغاز شده بود، به صورت زد و خورد های شدید میان امل از یک سو و مبارزان حزب کمونیست لبنان، حزب سوسیالیست ترقیخواه به رهبری ولید جنبلاط و شبه نظامیان گروه "مراپتون" از سوی دیگر، درآمد.

پافشاری امل بر ادامه محاصره غذایی اردوگاههای فلسطینی شتیلا و برج البراجنه در بیروت، علامه گروهای ترقیخواه لبنانی را در کنار فلسطینی‌ها ناگزیر از اقدام نظامی علیه امل کرد. سازمان امل علیرغم ادعای خود تا اواسط هفته گذشته هنوز دست از محاصره اردوگاههای فلسطینی نکشیده بود. از اوایل هفته، درگیری اعضای حزب کمونیست لبنان و شبه نظامیان دروژی

حزب سوسیالیست ترقیخواه بانبروهای امل گسترش یافت و تمامی غرب بیروت را در بر گرفت.

در نتیجه این نبرد، امل چند موضع خود را در غرب بیروت از دست داد. منطقه تجاری بیروت و ایستگاه تلویزیون دولتی لبنان که تحت اشغال امل بودند، به تصرف نیروهای چپ درآمدند.

رفیق حسین مرعو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان و نویسنده برجسته لبنانی، همزمان با نبردهای بیروت هدف یک سو قصد قرار گرفت و کشته شد. در جریان نبردهای هفته گذشته در بیروت

جهان، پایان جنگ ایران و عراق را می طلبد

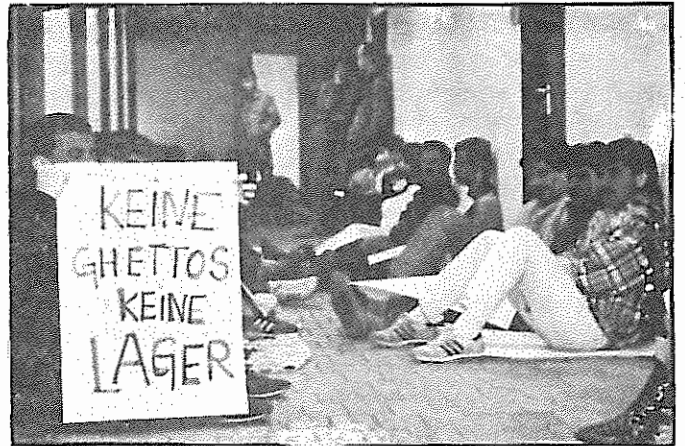
گونه ای "عادلان و معقول" حل کنند. زائو زیانتک که این سخنان را در دیدار با طه باسین رمضان معاون اول نخست وزیر عراق ایراد نمود، نگرانی کشورش را از بابت تشدید جنگ در روزهای اخیر که امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس را به خطر افکنده است، ابراز داشت. وی ضمن تاکید بر بی طرفی مطلق چین در جنگ از پیشنهاد عراق دایر بر پایان دادن فوری به جنگ و آغاز مذاکرات صلح پشتیبانی نمود.

آندره ای کرومیکو صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در دیدار با ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مسکو گفت کشورش خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق است. وی افزود در رابطه با پایان دادن به جنگ، باید بیش از گذشته به حال توجه کرد و وضع کنونی را در نظر گرفت. به گزارش خبرگزاری تاس، در دیدار ولایتی با مقامات شوروی میان طرفین در مورد جنگ ایران و عراق اختلاف نظر وجود داشت.

رابرت موکابه رهبر رژیمبایره و رئیس جنبش غیر متعهدا نیز قطع فوری جنگ ایران و عراق را خواستار شد. وی نسبت به حمله به مناطق مسکونی در جنگ ابراز نگرانی کرد.

زائو زیانتک دبیر کل حزب کمونیست و نخست وزیر چین، ایران و عراق را فرا خواند تا فوراً قرار داد آتش بس به امضای رسانند و اختلافات خود را از طریق مذاکرات صلح به

یورش پلیس آلمان فدرال به پناهندگان متحصن ایرانی در بوخوم



در صفحه ۱۴

منتشر شد:

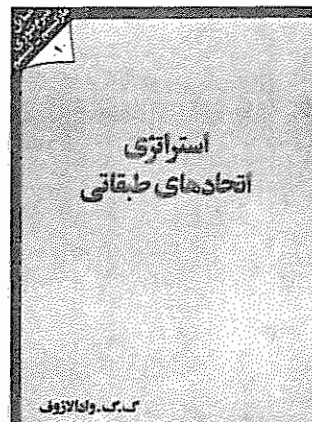
شماره ۱۲ "آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم" از انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بهمن ماه با مقالات زیر منتشر گردیده است:

- مسائل چشم گیر کنونی در تحلیل سرمایه داری
- چشم انداز انقلابی - دمکراتیک: برخی وجوه از تحلیل دوران گذار
- مرحله کنونی مبارزه دمکراتیک ضد امپریالیستی
- حزب کمونیست و مردم



منتشر شد:

کتاب "استراتژی اتحادهای طبقاتی" توسط انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتشر شده است. نویسنده این کتاب پروفیسور ک. ک. وادالزوف، رئیس کرسی جنبش بین المللی طبقه کارگر در آکادمی علوم اجتماعی، جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.



در پیشگفتار این کتاب آمده است: کتاب حاضر اصول لنینی تشکیل اتحادهای وسیع اجتماعی در مبارزه انقلابی طبقه کارگر را تشریح می کند و تجربه حزب بلشویک در تلاش های اتحاد طلبانه پرولتاریا و استراتژی سیاسی و تاکتیک احزاب کمونیست در راه تشکیل جبهه مستحکم ضد انحصاری و ضد امپریالیستی را مورد تجزیه و

تذکر:

از همه رفقا و دوستانی که با نشریه "اکثریت" مکاتبه می کنند تقاضا داریم در هنگام نوشتن نشانی نشریه تنها آنچه را که ما زیر عنوان آدرس آورده ایم در پشت پاکت قید کنند و از نوشتن عنوان "اکثریت" و سایر عنوان دیگری به لاتین مطلقاً خودداری ورزند.

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک (ویا معادل آن گوبن بین المللی بستی) به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۸	۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 146
MONDAY FEB '23. 87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!